

درس هشتم : در کوی عاشقان.....	۱
واژگان.....	۱
دستور.....	۵
آرایه‌های ادبی.....	۱۰
قربت معنایی.....	۱۱
معنا و مفهوم ابیات و عبارات.....	۱۲
تاریخ ادبیات.....	۱۵
درس نهم : ذوق لطیف.....	۱۵
واژگان.....	۱۵
دستور.....	۱۹
آرایه‌های ادبی.....	۱۹
قربت معنایی.....	۲۱
معنا و مفهوم ابیات و عبارات.....	۲۱
تاریخ ادبیات.....	۲۴

این پک به صورت کامل برای تمام دروس تجربی با یک قیمت حداقلی که تمام افراد توانایی پرداخت آن را دارند منتشر شده بنابراین استفاده رایگان از آن مورد رضایت ما نخواهد بود جهت تهیه روی همین متن قرمز لمس یا کلیک کنید

فصل چهارم : ادبیات سفر و زندگی

درس هشتم : در کوی عاشقان واژگان

- ۱ در بیت زیر واژه مشخص شده را معنا کنید.
«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»
- ۲ در جملات زیر معنی لغات مشخص شده را بنویسید.
الف) مولانا در دمشق، پیوسته به افغان، شمس را از هر برزن جست و جو می کرد.
ب) اهل قونیه از خُرد و بزرگ در تشییع پیکر مولانا و خاکسپاری، حاضر شدند.
- ۳ در ابیات زیر معادل واژه های «خوش لقا» و «بت» را بیابید.
الف) کرده ام توبه دست صنم باده فروش که دگر می نخورم بی رخ بزم آرای
ب) به چشم کرده ام ابروی ماه سیمایی خیال سبز خطی نقش بسته ام جایی
- ۴ در ابیات زیر واژه های مشخص شده را معنا کنید.
الف) به باد ده سر و دستار عالمی یعنی کلاه گوشه و آیین سروری بشکن
ب) رفیقان چنان عهد صحبت شکستند که گویی نبوده ست خود آشنایی
- ۵ در ابیات زیر کدام واژه معادل واژه «سنا» است؟
«نرگس کرشمه می بُرد از حد برون خرام ای جان فدای شیوه چشم سیاه تو
با هر ستاره ای سرو کار است هر شبم از حسرت فروغ رخ همچو ماه تو»
- ۶ در ابیات زیر واژه های مشخص شده را معنا کنید.
الف) غلام چشم آن تُرکم که در خواب خوش مستی / نگارین گلشنش روی است و مشکین سایبان ابرو
ب) تکیه بر اختر شبگرد مکن کاین عیار / تاج کاووس ببرد و کمر کیخسرو
- ۷ در مصراع های زیر واژه های مشخص شده را معنا کنید.
الف) یک شهر، دل، دل داده را تشییع کردند.
ب) خوش است خلوت اگر یار یار من باشد
ج) غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
- ۸ در مصراع های زیر واژه های مشخص شده را معنا کنید.
الف) ملامت گو چه می داند میان عاشق و معشوق
ب) زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست
ج) که وعظ بی عملان واجب است نشنیدن
- ۹ در ابیات زیر واژه های مشخص شده را معنا کنید.
الف) حالیا در پیش فرعون زَمَن نرم باید گفت قولاً لیناً
ب) چنین قفس نه سزای چون من خوش الحانیست روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم
- ۱۰ واژه «مرشد» در متن درس «در کوی عاشقان»، به چه معنایی است؟

۱۱ در بیت زیر شکل درست واژه املائی را انتخاب کنید.

«تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی تو رحیمی تو نماینده فضلی تو سزاوار (سنایی - ثنایی)»

۱۲ در بیت زیر شکل درست واژه املائی را انتخاب کنید.

«(صلاح - سلاح) کار کجا و من خراب کجا بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا»

۱۳ در بیت زیر شکل درست واژه‌های املائی را انتخاب کنید.

«هر که را (اصرار - اسرار) حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند»

۱۴ واژه‌های ستون اول را به مترادف‌های آن در ستون دوم وصل کنید.

کلمات ستون اول را به معادل‌ها آن‌ها در ستون دوم وصل کنید:

الف) ملامت الف) فرّ

ب) سرزند ب) صنم

ج) بت ج) هیاو

د) بانگ د) طعن

ه) شأن ه) عَمّامه

۱۵ کلمات ستون اول را به معادل‌های آن‌ها در ستون دوم وصل کنید:

الف) نرم الف) رُستن

ب) سخن رو در رو گفتن ب) خاتون

ج) روییدن ج) لَین

د) بانو د) خطاب

۱۶ در ابیات زیر لغات مشخص شده را معنا کنید.

رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن ترک من خراب شبگرد مبتلا کن

۱۷ در بیت زیر لغات مشخص شده را معنا کنید.

«ما به فلک بوده‌ایم یار مَلک بوده‌ایم باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست»

۱۸ در بیت زیر قسمت‌های مشخص شده را معنا کنید.

«هر نفس آواز عشق می رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست»

۱۹ در عبارات زیر قسمت‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) حسام‌الدین از مولانا درخواست نمود کتابی به طرز الهی‌نامه سنایی به نظم آورد.

ب) خواجه عبدالکریم خادم خاصّ شیخ ما، ابوسعید - قدّس الله روحه العزیز - بود.

۲۰ در عبارت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«مولانا به همت یاران نزدیک خود شیخ صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی به نشر معارف الهی مشغول بود.»

۲۱ در عبارت زیر معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) مولانا از سر اشتیاق ناله برمی‌آورد و اشعار غم‌انگیز می‌سرود.

ب) مولانا از نظر اخلاق و سیرت، ستوده اهل حقیقت بود.

۲۲ در جملات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) نشست‌های پی‌درپی سبب انقلاب احوال مولانا گردید.

ب) به قونیه بازگشت و ارشاد مشتاقان معرفت را از سر گرفت.

۲۳ در بیت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرّین بکشید سوی خانه مه خوب خوش‌لقا را»

۲۴ معنی واژه «حریف» در مصراع «بروید ای حریفان بکشید یار ما را» با معنای همین واژه در کدام گزینه معادل و برابر است؟

الف) نی حریف هر که از یاری برید

ب) سرهای حریفان بر گرد بیاورده

۲۵ در بیت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«بروید ای حریفان بکشید یار ما را به من آورید آخر صنم گریز پا را»

۲۶ در جمله زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«شمس از مشایخ فراوانی بهره برد و به دلیل سیر در عالم معنا او را «شمس پرنده» می گفتند.»

۲۷ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) شمس تبریزی برای کسب معارف الهی بسیار مسافرت کرد.

ب) از این رو به شمس روی آورد و با او به صحبت نشست.

۲۸ معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) آفتاب عشق و شمس حقیقت در برابرش نمایان شد.

ب) دانست همان پیر و مرشدی است که سال‌ها در جست‌وجویش بود.

۲۹ لغات مشخص شده را معنا کنید:

الف) مردم روزگار بر تقوا و زهد او متفق بودند.

ب) در پی فزونی گرفتن غضب مردم، شمس ناگزیر قونیّه را ترک کرد.

ج) مولانا در طلب شمس به تکاپو افتاد و سرانجام خبر یافت که به دمشق رفته است.

۳۰ در جملات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می شدند.

ب) با بی‌توجهی به ملامت و هیاهوی مردم خود را با سرودن غزل سرگرم می کرد.

۳۱ در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) آوازه تقوا و فضل و تاثیر بهاء‌ولد همه جا را فرا گرفت.

ب) آزار و انکار مخالفان سبب شد که او نیز در طلب یار همدل، عازم دمشق شود.

۳۲ در عبارات زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) چون به نیشابور رسید با شیخ فریدالدین عطار ملاقات کرد.

ب) هنگامی که بهاء‌ولد، مناسک حج را به پایان برد به طرف شام روانه گردید.

۳۳ در عبارت زیر معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) محمد، ملقب به جلال‌الدین مشهور به «مولانا و مولوی» اوایل قرن هفتم به دنیا آمد.

ب) پس از مرگ پدر به اصرار مریدان و شاگردان پدر مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.

۳۴ در عبارت زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) پدر جلال‌الدین به سبب هراس از بی رحمی‌های مغول ناچار از بلخ مهاجرت کرد.

ب) بهاء‌ولد از آنجا که دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول برکنار بود، بدان نواحی هجرت کرد.

۳۵ لغات مشخص شده را معنا کنید.

الف) علت شهرت او به مولانا رومی، اقامت طولانی او در شهر قونیّه بوده است.

ب) بهاء‌ولد از آنجا که دیار روم پادشاهی دانا و صاحب بصیرت داشت به آن جا رفت.

۳۶ معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) اقامت طولانی وی در شهر قونیّه بوده است.

ب) علاء‌الدین کیقباد از مقامات او آگاهی یافت.

پ) طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می شدند.

ت) اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم

ث) عزم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا باز نیاید.

ج) در پیشگاه وی می نشست.

چ) مولانا ستوده اهل حقیقت و سرآمد هم‌روزگاران خود بود.

ح) بی‌تابانه به بالین پدر می آمد.

خ در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم

د برای من مگرّی و، مگو دریغ! دریغ!

۳۷ معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول بر کنار بود.

ب همه وعده مکر باشد، بفریید او شما را

پ ما به قَلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

ت این غزل را در مرثیه خود سروده است.

ث از حکایت‌های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتم.

۳۸ در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را پیدا کنید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

«غوغا وهیاهو- تقدّس و پاکی- سلاح و درست- خورد و بزرگ - طعن حاسدان- مناسک حج- محضر خدا- منطق الطّیر عطار- لقا و ملاقات - خواستن و بلند شدن»

۳۹ از میان کلمه یا گروه کلمه‌های زیر، املائی چه واژه‌هایی نادرست است؟ صورت صحیح آن را بنویسید.

«هیاهوی مردم- سرزنش و ملامت - خلوت عارفانه- وعظ- سیر و صفر -گوهر خاتون- فضل و تقوا- طالب دیدار- شهر هلب- صاحب بسیرت- خوارزمشاه- بیم و هراس - قصد حج- رهسپار و عازم- علّالدّین کیقباد- زهد و پارسایی - اسرار و پافشاری»

۴۰ در گروه کلمه‌های زیر شکل درست واژه‌هایی را که از نظر املائی یا رسم الخطی نادرستند، بنویسید.

«ناگزیر و ناچار- پیغام و نامه- پژمرده‌گی و دل‌تنگی- عذر و بهانه- سنم گریزپا- عظم و قصد- شهر پرغوغا- آرم و رهسپار- همت و اراده- قراعت آثار- منتظر فُرس- طئن و ناسزا- دریق و افسوس - تلخیص کتاب- خیر مطلع»

۴۱ در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را بیابید و شکل درست آنها را بنویسید.

«رهسپار و عازم - زهد و تقوا - ثنا و فروغ- اشتیاق و میل- اسرار و پافشاری- عزم و اراده - حسام‌الدّین چلبی- هم نشینی و صحبت - خلق و خو و سیرت - هریف و مونس»

۴۲ با توجّه به معانی داده‌شده یک واژه مناسب از متن درس بیابید.

الف نام فرشته‌ای که نگهبان بهشت است:

ب تنهایی، دوری گزیدن سالک از مردم برای تزکیه نفس:

پ خداوند، روح عزیز او را پاک گرداند:

ت اعمال عبادی و آیین‌های دینی:

ث محلّ حضور و مجازاً مجلسی که در آن سخنان قابل استفاده گفته می‌شود:

۴۳ املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف جلال‌الدّین محمد به (اصرار- اسرار) مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.

۴۴ در عبارت زیر نادرستی‌های املائی را بیابید و تصحیح کنید.

«پس از درگذشت بهاء‌الدّین، جلال‌الدّین، محمّد به اسرار مریدان، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت ... مولانا عزرشان را پذیرفت و فرزند خود سلطان ولد را روانه دمشق کرد.»

۴۵ با توجّه به معنی، کدام کلمه املائی نادرستی دارد؟ تصحیح کنید.

(۱) فضل: برتری (۲) عازم: رهسپار (۳) وعظ: پند دادن (۴) ازم: اراده

۴۶ چهار غلط املائی به کاررفته در عبارت زیر را مشخص کرده و درست آنها را بنویسید.

«پس از درگذشت بهاء‌الدّین، جلال‌الدّین محمّد به اسرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت؛ جلال‌الدّین در آن هنگام، بیست و چهار سال داشت. پس از این، جلال‌الدّین مدّتی در شهر هَلَب به تحصیل علوم پرداخت و سپس عازم دمشق شد و بیش از چهار سال در آن ناحیه، دانش می‌اندوخت و معرفت می‌آموخت.»

دستور

۴۷ در عبارت زیر کدام واژه نقش تبعی دارد؟ نوع آن را مشخص کنید.

«تبریز، مرکز فرماندهی خط مقدم دفاع در برابر دست‌درازی‌های همسایه شمالی ایران روسیه بود.»

۴۸ با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«جلال‌الدین در این ایام، پنج شش ساله بود که خاندانش، شهر بلخ و خویشان را بدرود گفت و به مقصد حج رهسپار گردید.»

الف) در عبارت، چند معطوف وجود دارد؟

ب) نقش دستوری گروه اسمی «پنج شش ساله» را بنویسید.

۴۹ گاه، واژه از نظر نقش دستوری، پیرو گروه اسمی پیش از خود است؛ به این گونه نقش‌ها در اصطلاح، «نقش‌های تبعی» می‌گوییم:

نقش‌های تبعی		
تکرار	بدل	معطوف
واژه یا واژه‌هایی، در یک نقش، دو بار در جمله تکرار می‌شود.	واژه یا واژه‌های قبل از خود را توضیح می‌دهد.	واژه، یا واژه‌هایی که بعد از حرف عطف «و» می‌آید.
مریم آمد، مریم تکرار	مریم، خواهر زهرا، به خانه آمد. بدل	مریم و زهرا آمدند. معطوف

• اکنون برای کاربرد هریک از نقش‌های تبعی، مثال مناسب بنویسید.

۵۰ چهار ترکیب اضافی که اهمیت املائی داشته باشد، از متن درس «در کوی عاشقان» بیابید و بنویسید.

۵۱ در کدام گزینه نقش کلمات مشخص شده به ترتیب درست آمده است؟

«به دلیل سیر و سفر و البته جست‌وجو و پرواز در عالم معنا او را شمس پرنده می‌گفتند.»

الف) قید، متمم، مسند
ب) معطوف، صفت فاعلی، بدل

ج) قید، مضاف الیه، متمم
د) قید، مضاف الیه، مسند

۵۲ در عبارت زیر دو نقش تبعی متفاوت (غیر تکراری) بیابید و بنویسید.

«بهاء‌ولد از آنجا که دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب بصیرت داشت بدان نواحی هجرت کرد. او به همت یاران

نزدیک خود، شیخ صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی، به نشر معارف الهی مشغول بود.»

۵۳ در «ستارگان»، مانند چراغ نیمه‌مردۀ شبانان در پناه قلّه‌ها به سرمی‌بردند و فروغ کم‌سوی خود را بر سطح سیاه افق، این آسمان تیره و تار،

می‌پاشاندند.» یک نقش تبعی بیابید و نام آن را بنویسید.

۵۴ با توجه به جمله زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«دکتر غلامحسین یوسفی، استاد بزرگ ادبیات فارسی کتاب‌های گلستان و بوستان سعدی را تصحیح کرده است»

الف) معطوف را مشخص کنید.

ب) کدام واژه هسته گروه بدلی است؟

۵۵ عبارت مشخص شده در جمله زیر، کدام نقش تبعی را داراست؟

«فردوسی و دقیقی، شاعران حماسه‌سرا، اثری ماندگار از خود به جا گذاشته‌اند.»

۵۶ «بدل» و «معطوف» را در جمله زیر نشان دهید.

«سعدی، غزل سرای بزرگ ایران، خالق گلستان و بوستان است.»

۵۷ نقش قسمت مشخص شده در «حافظ، شاعر بزرگ ایران، شهرت جهانی دارد.» چیست؟

۵۸ «معطوف» را در هر یک از جملات زیر بیابید.

الف) نیما یوشیج و اخوان ثالث از شاعران نوپرداز هستند

ب) فرشته از نمایشگاه و فروشگاه دیدن کرد.

۵۹ در عبارت زیر نقش‌های تبعی را بیابید و نوع هریک را مشخص کنید.

«سر، بلند کرد و دماوند، این بلندترین کوه ایران، را دید. فریاد زد سلام... سلام، سلام، سلام. صدایش در تمام کوه و دشت پیچید.»

۶۰ در هر یک از جمله‌های زیر کدام نقش تبعی به کار رفته است؟

الف) حضرت محمد (ص)، آخرین پیامبر، در ۵۷۱ میلادی متولد شدند.

ب) رودکی و نیما، با سروده‌های خویش بر غنای زبان فارسی افزودند.

۶۱ با توجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«ادب عرفانی این دُرّ گران‌مایهٔ انسانیت لبریز از معانی لطیف و شورانگیز است»

الف) کدام واژه «معطوف» است؟

ب) کدام گروه بدلی است؟

۶۲ با توجه به عبارت «سروده‌های کوتاه و عمیق رابیندانات تاگور، شهرت جهانی دارد. این نوشته‌ها لبریز از نکته‌های بسیار لطیف و بدیع هستند.»

کدام واژه یکی از «نقش‌های تبعی» است؟

۶۳ در عبارت «در بالای غار حرا، مرکز تفکرات آسمانی، ماه نور ملایم و لطیف خود را پخش می‌کرد و روشنایی بسیار درخشان خود را به کاینات

می‌داد.»

الف) معطوف

ب) بدل

۶۴ با توجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«علامهٔ بزرگ، استاد علی اکبر دهخدا، با تدوین اثر ارزشمند خود لغت‌نامه، خدمت فرهنگی بی‌نظیری انجام داد.»

الف) کدام واژه «شاخص» است؟

ب) یک گروه اسمی بنویسید که نقش تبعی «بدل» داشته باشد.

۶۵ با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«دکتر شفیعی کدکنی، استاد بزرگ ادب فارسی، در زمینه‌های ادبی و علمی آثار ارزشمندی دارند.»

الف) کدام گروه اسمی نقش «بدل» دارد؟

ب) یک «معطوف» پیدا کنید و بنویسید.

۶۶ در جمله زیر، دو واژه را که دارای نقش تبعی هستند، بنویسید.

«کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی از نهادهای فرهنگی و ملی ایران است که در سال ۱۳۰۴ با مدیریت پدر پروین اعتصامی، اعتصام الملک، به طور رسمی

آغاز به کار کرد.»

۶۷ در عبارت زیر چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

«عاقبت، هنگام غروب آفتاب، خورشید عمر مولانا از این جهان به جهان آخرت، سفر کرد.»

۶۸ نقش دستوری قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

گفت: «روزی درویشی مرا بنشاند بود تا از حکایت‌های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتم.»

۶۹ در عبارت زیر نقش تبعی را بیابید.

«خواجه عبدالکریم [که] خادم خاص شیخ ما، ابوسعید - قدس الله روحه العزیز - بود.»

۷۰ در بیت زیر نقش «بدل» را بیابید.

«ما سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید
بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی»

۷۱ در بیت زیر نقش تبعی را بیابید.

«برای من مگر و مگو دریغ دریغ
به دام دیو درافتی دریغ آن باشد»

۷۲ در بیت زیر چند بار نقش تبعی استفاده شده است؟

«فردا شراب کوثر و حور از برای ماست
و امروز نیز ساقی مهری و جامی می»

۷۳ در بیت زیر نقش تبعی را بیابید.

«تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار
که در برابر چشمی و غایب از نظری»

۷۴ در کدام یک از ابیات زیر نقش تبعی وجود دارد؟

- الف) چو گل نقاب برافگند و مرغ زد هوهو منه ز دست پیاله چه می‌کنی هی‌هی
ب) آب و آتش به هم آمیخته‌ای از لب لعل چشم بد دور که بس شعبده باز آمده‌ای

۷۵ در ابیات زیر ترکیب‌های وصفی و اضافی را پیدا کنید.

- الف) چند کنم تو را طلب، خانه به خانه، در به در؟ چند گریزی از بَرَم، گوشه به گوشه، کوبه‌کو؟
ب) اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم همه وعده مکر باشد بفریبد او شما را

۷۶ در ابیات زیر چند ترکیب وصفی و اضافی وجود دارد؟

- بروید ای حریفان بکشید یار ما را به من آورید آخر صنم گریز پا را
به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرّین بکشید سوی خانه، مه خوب خوش لقا را

۷۷ در عبارت زیر ترکیب‌های اضافی را پیدا کنید.

«یاران مولانا هم که پژمردگی و دل‌تنگی او را غیبت شمس دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند و روی به مولانا آوردند.»

۷۸ در متن زیر نقش‌های تبعی را پیدا کنید.

«مولانا در طلب به تکاپو افتاد و سرانجام خبر یافت که او به دمشق رفته است. مولانا چندین نامه و پیغام فرستاد و غزل سرود و به خدمت شمس روانه کرد.»

۷۹ در عبارت زیر چند نقش تبعی یافت می‌شود؟

«مولانا آن‌چنان در معارف شمس غرق شد که مریدان خود را از یاد برد. اهل قونیه و علما و زاهدان هم، مانند شاگردانش از تغییر رفتار مولانا خشمگین شدند و به سرزنش او پرداختند.»

۸۰ در متن زیر چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

«مولانا با همه علم و استادی خویش، در این ایام که حدوداً سی و هشت ساله بود؛ خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت؛ این خلوت عارفانه، چهل روز طول کشید.»

۸۱ در عبارت زیر معطوف را پیدا کنید.

«از این رو، به شمس روی آورد و با او به صحبت و خلوت نشست و در خانه بر آشنا و بیگانه بست و تدریس و وعظ را رها کرد.»

۸۲ با توجه به عبارت «شمس، عارفی کامل و مردی حقیقی بود و مولانا جلال‌الدین که همواره در طلب مردان خدا بود چون شمس را دید نشان‌هایی از لطف خدا را در او یافت.»

الف) معطوف را پیدا کنید.

ب) چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

۸۳ در عبارت زیر نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«به دلیل سیر و سفر و البته جست‌وجو در عالم معنا، او را «شمس پرنده» می‌گفتند.»

۸۴ در متن زیر چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

«پدر جلال‌الدین از دانشمندان روزگار خود بود. به سبب هراس از کشتار لشکر مغول و رنجش از خوارزم‌شاه از بلخ ناچار مهاجرت کرد.»

۸۵ با توجه به متن زیر به سوالات پاسخ دهید.

«در این ایام که جلال‌الدین، روزها به شغل تدریس می‌گذرانید و شاگردان و پیروان بسیاری از حضورش بهره می‌بردند و مردم روزگار بر تقوا و زهد او متفق بود. ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت، در برابرش نمایان شد.»

الف) ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید.

ب) در عبارت چند معطوف وجود دارد؟

۸۶ در متن زیر چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

«علت شهرت او به رومی اقامت طولانی وی در شهر قونیه بوده است اما او همواره خود را از مردم خراسان می‌شمرد و همشهریانش را دوست می‌داشت و از یاد آنان، دلش آرام نداشت.»

۸۷ در متن زیر چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

«جلال‌الدین در این ایام، پنج شش ساله بود که خاندانش را بدرود گفت و به قصد حج رهسپار گردید.»

۸۸ در عبارت «جلال‌الدین در هجده سالگی به فرمان پدر خود با گوهر خاتون سمرقندی ازدواج کرد.» ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید.

۸۹ در متن زیر ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

«پدر مولانا از آنجا که دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب‌بصیرت و عالم‌پرور و محیطی آرام و آزاد داشت به آن نواحی هجرت کرد. مردم آن سرزمین علاقه فراوانی به او یافتند.»

۹۰ با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«مولانا، پس از چندی اقامت در شهرهای حلب و شام به قونیه باز آمد و هر روزه، به شیوه پدر، در مدرسه، به تدریس علوم دینی و ارشاد می‌پرداخت و طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می‌شوند.»

الف) نقش‌های تبعی عبارت بالا را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

ب) در جمله اول چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

۹۱ در متن زیر نقش‌های تبعی را بیابید و نوع آنها را مشخص سازید.

«پس از درگذشت بهاء‌الدین، جلال‌الدین محمد به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت؛ جلال‌الدین در آن هنگام بیست و چهار سال داشت.»

۹۲ در عبارت زیر چند بار از نقش تبعی «معطوف» استفاده شده است؟

«بهاء‌الدین از آنجا که دیار روم از تاخت و تاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب‌بصیرت و عالم‌پرور و محیطی آرام و آزاد داشت به آن نواحی هجرت کرد.»

۹۳ در عبارت زیر نقش‌های تبعی را بیابید و نوع آنها را بنویسید.

«آوازه تقوا و فضل و تاثیر بهاء‌ولد همه جا را فرا گرفت و پادشاه سلجوقی روم، علاء‌الدین کیقباد از مقامات او آگاهی یافت.»

۹۴ با توجه به متن به سؤالات پاسخ دهید.

«هنگامی که بهاء‌ولد مناسک حج را به پایان برد در بازگشت، به طرف شام روانه گردید و مدتی در آن نواحی به سر بُرد.»

الف) آیا در عبارت، نقش تبعی به کار رفته است؟

ب) در جمله اول عبارت، مفعول را پیدا کنید.

ج) در جمله دوم «مسند» را پیدا کنید.

۹۵ در عبارت زیر نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین خردسال هدیه داد و به پدرش بهاء‌الدین گفت: «زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند.»

۹۶ با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«پدر جلال‌الدین به سبب هراس از بی‌رحمی‌ها و کشتار لشکر مغول و رنجش از خوارزم‌شاه، ناچار از بلخ مهاجرت کرد.»

الف) در عبارت چند بار از نقش تبعی استفاده شده است؟

ب) نقش دستوری گروه اسمی «پدر جلال‌الدین» چیست؟

۹۷ در عبارت زیر نقش تبعی را بیابید و نوع آن را مشخص کنید.

«پدر جلال‌الدین، محمد حسین خطیبی از دانشمندان روزگار خود بود.»

۹۸ در عبارت زیر نقش دستوری قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) علت شهرت او به رومی یا مولانای دوم اقامت طولانی وی در شهر قونیه بوده است.

ب) جلال‌الدین همواره خود را از مردم خراسان شمرده و همشهریان را دوست داشته است.

۹۹ در عبارت زیر نقش تبعی را بیابید و نوع آن را مشخص کنید.

«محمد، ملقب به جلال‌الدین، مشهور به مولانا یا مولوی اوایل قرن هفتم در شهر بلخ به دنیا آمد.»

۱۰۰ زمان و نوع افعال مشخص شده را در عبارت‌های زیر تعیین کنید.

الف) در ایامی که جلال‌الدین، روزها به شغل تدریس می‌گذرانید، شاگردان و پیروان بسیاری از حضورش بهره می‌بردند.

ب

اگر او به وعده گوید که دم دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفرید او شما را

پ) شمس عزم کرد که دیگر بدان شهر پر غوغا باز نیاید و جایی برود که از او خبری نشنوند، و رفت.

ت

ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم باز همان جا رویم جمله که آن شهر ما است
نقش کلمات مشخص شده را بنویسید. ۱۰۱

الف

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

ب

بروید ای حریفان، بکشید یار ما را به من آورید آخر، صنم گریزپا را

پ

اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفرید او شما را

ت

پس از غیبت شمس، شاگردان به مولانا این گونه خبر دادند که شمس کشته شد.
با توجه به بیت‌ها و جمله زیر «بدل»‌ها را مشخص کنید. ۱۰۲

الف

جهاندار با گوی و چوگان و تیر به میدان خرامید خود با وزیر

ب

بدین روش که تو طاووس می‌کنی رفتار نه برج من که همه عالم آشیان داری

پ

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار که توسنی چو فلک رام تازیانه توست

ت

روز سه‌شنبه، پنجم شعبان، آنجا رسیدیم.

نوع نقش‌های تبعی را در بیت و جملات زیر مشخص کنید. ۱۰۳

الف

از خُرد و بزرگ در تشییع پیکر شاعر گران‌قدر، مولانا، حاضر شدند و همدردی کردند.

ب

این آخرین غزلی است که مولانا ساخته است مولانا.

پ

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود

ت

یونسی و قربانی و عمرانی، دانش‌آموزان پایه یازدهم، به کلاس آمدند.

۱۰۴

در هر یک از موارد زیر، یک نقش تبعی نشان دهید.

الف

پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد، از مقامات او آگاهی یافت.

ب

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

۱۰۵

با توجه به ابیات زیر، به سوالات پاسخ دهید.

به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

برای من مگری و مگوی دریغ دریغ به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد

الف

در بیت اول چند متمم وجود دارد؟

ب

یک حرف ربط وابسته‌ساز مشخص کنید.

پ

کدام واژه در بیت دوم، نقش تبعی دارد؟

ت

«مسند» در جمله آخر، صفت اشاره است. درست / نادرست

۱۰۶

صفت پرسشی و اشاره را در بیت زیر نشان دهید.

کدام دانه فرو رفت در زمین که نَرست چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟

۱۰۷) نقش دستوری کلمات مشخص شده را در عبارت زیر بنویسید.

«شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین خردسال هدیه داد و به پدرش بهاءالدین گفت: زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند.»

۱۰۸) در متن «حسام‌الدین، شاگرد مولانا، شب‌ها در پیشگاه وی می‌نشست. وی مثنوی می‌سرود و حسام‌الدین می‌نوشت.»

الف. قید را بیابید.

ب. یک نقش تبعی در متن مشخص کنید.

۱۰۹) کاربرد متفاوت «و» را در جمله‌های زیر بررسی کنید.

الف. آوازه تقوا و فضل و تأثیر بهاء‌ولد همه‌جا را فرا گرفت و پادشاه سلجوقی روم از مقامات او آگاهی یافت.

ب. برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!

آرایه‌های ادبی

۱۱۰) واژه «ماه / مه» در کدام بیت آرایه استعاره نیست؟

الف) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را

ب) فرزند عزیز را به صد جهد بنشانند چو ماه در یکی مهد

ج) چون رایت عشق آن جهانگیر شد چون مه لیلی آسمان گیر

۱۱۱) در عبارت «مولانا آن‌چنان در معارف شمس غرق شد که مریدان خود را از یاد برد.» آرایه استعاره را بیابید.

۱۱۲) در عبارت زیر یک مفهوم کنایی بیابید.

«با همه استادی و علم خویش در این ایام که حدوداً سی‌وهشت ساله بود خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت.»

۱۱۳) در متن زیر عبارت کنایی را پیدا کنید.

«زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند.»

۱۱۴) در هر یک از موارد زیر «کنایه» را بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

الف) آتش در سوختگان عالم زند.

ب) به شمس روی آورد.

پ) مولانا در معارف شمس غرق شده بود.

ت) خدمت شمس زانو زد.

ث) خود را با سروده مولانا سرگرم کرد.

ج) ناگزیر دل از قونیه برکند.

چ) صد هزاران بار، بُبریدم امید

ح) رو، سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن

خ) گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد

د) به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد

۱۱۵) بخش مشخص شده در سروده زیر بیانگر کاربرد کدام آرایه ادبی به جز کنایه است؟

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی، «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن»

۱۱۶) بخش مشخص شده در سروده زیر، بیانگر کاربرد کدام آرایه ادبی است؟ دلیل خود را بنویسید.

«بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی، «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن» «شفیعی کدکنی»

۱۱۷) «جناس ناهمسان (ناقص)» را در بیت زیر نشان دهید.

ما به فلک بوده‌ایم، یارِ مَلک بوده‌ایم باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست،

۱۱۸ آرایه مشترک عبارت‌های زیر را بنویسید.

- در ذهن عباس میرزا، تنها معمای اُفت و خیزهای جنگ و شکست‌ها و پیروزی‌ها نبود که حضور سنگینی داشت.
- مولانا طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حُسن خُلق، آنان را به راه راست می‌آورد.

۱۱۹ در بیت «هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست، آرایه‌های زیر را بیابید.

الف) جناس همسان:

ب) کنایه:

د) مجاز:

ج) تشخیص:

۱۲۰ در بیت «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن / ترک من خراب شبگرد مبتلا کن، دو آرایه «کنایه» و «واج‌آرایی» را بیابید.

۱۲۱ در شعر «بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و در مرد خواب و خفتی / رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن» آرایه‌های خواسته شده را بیابید.

الف) تضمین:

ب) تضاد:

ج) تشخیص:

۱۲۲ در بیت زیر آرایه‌های خواسته‌شده را بیابید.

«چنین قفس نه سزای چون خوش‌الحانیست / روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم»

الف) استعاره:

ب) تشبیه:

ج) مراعات نظیر:

۱۲۳ در عبارت زیر آرایه‌های «حس آمیزی و مراعات نظیر» را بیابید.

«طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حُسن خُلق آنان را به راه راست می‌آورد.»

۱۲۴ در بیت «به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه مه خوب خوش‌لقا را» آرایه‌های حس آمیزی و استعاره را بیابید.

۱۲۵ برای کاربرد هر آرایه زیر، نمونه‌ای از متن درس «در کوی عاشقان» بیابید.

واج‌آرایی: / حس آمیزی: / تشبیه:

۱۲۶ در هر یک از موارد زیر، آرایه نوشته‌شده مقابل آن را، بیابید و توضیح دهید.

الف) شهر بلخ و خویشان را بدرود گفت و به قصد حج، رهسپار گردید. (کنایه)

ب) ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت، در برابرش نمایان شد. (ایهام)

پ

به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را (حس آمیزی)

۱۲۷ آرایه مناسب موارد مشخص‌شده را بنویسید.

الف) این شیخ همیشه شاب، هم هیبت یک آموزگار را دارد هم مهر یک پرستار.

ب

کدام دانه فرو رفت در زمین که نَرست؟ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟

قرابت معنایی

۱۲۸ بر مبنای متن درس «در کوی عاشقان»، خلق و خوی مولانا را با این آیات قرآن کریم که به حضرت موسی (ع) و حضرت هارون (ع) خطاب

است، مقایسه کنید.

«اذهبوا إلىٰ فرعون إنه طغىٰ فقولا له قولا لِّئلا» (سوره طه / آیه ۴۳ و ۴۴)

- ۱۲۹ کدام گزینه با بیت «چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم» بیشترین ارتباط معنایی را دارد؟
(الف) ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم / باز همانجا رویم، جمله که آن شهر ماست
(ب) مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک / چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
- ۱۳۰ بیت «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد» با کدام یک از ابیات زیر قرابت معنایی دارد؟
(الف) غم خود خور به روز شادمانی
(ب) نه مرگ است این که عین زندگانی است / فراقی نیست عین شادمانی است
- ۱۳۱ مفهوم کلی عبارت «حکایت‌نویس مباحث، چنان باش که از تو حکایت کنند» چیست؟
(الف) پیروی نکردن از سخنان دیگران
(ب) رسیدن به درجه‌ای که از انسان به نیکی یاد کنند.
- ۱۳۲ کدام گزینه مفهوم بیت «در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم / با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن» را در بردارد؟
(الف) مرگ پایان عمر، نیست بلکه آغاز دیگری است.
(ب) بشارت برای مرگ و رها شدن از دنیا
- ۱۳۳ بیت «ما ز بالایم و بالا می‌رویم / ما ز دریایم و دریا می‌رویم» چه ارتباط معنایی با بیت زیر دارد؟
(الف) ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همانجا رویم جمله که آن شهر ماست
- ۱۳۴ کدام یک از ابیات زیر با آیه «إِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» هم‌مضمون هستند؟
(الف) ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همانجا رویم جمله که آن شهر ماست
(ب) بخت جوان یار ما دادن جان کار ما / قافله‌سالار ما فخر جهان مصطفی است
- ۱۳۵ در بیت زیر به کدام ویژگی معشوق اشاره شده است؟
(الف) خیانت پیشگی
(ب) وعده دادن و نیامدن
- ۱۳۶ مولانا در بیت زیر به «حریفان و یاران» چه فرمانی می‌دهد؟
(الف) بروید ای حریفان بکشید یار ما را / به من آورید آخر صنم گریز پا را
- ۱۳۷ در عبارت «ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت در برابرش نمایان شد»، منظور از «آفتاب عشق» و «شمس حقیقت» کیست؟
- ۱۳۸ کدام بیت درس «در کوی عاشقان»، با این سروده حافظ، ارتباط معنایی دارد؟ پیام مشترک آنها را بنویسید.
(الف) چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم
- ۱۳۹ پیام مشترک عبارت‌های زیر را بنویسید.
• ﴿اِذْهَبَا اِلٰی فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰی، فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّیِّنًا﴾
• مولانا اهل صلح و سازش بود، طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حُسن خُلق، آنان را به راه راست می‌آورد.
- ۱۴۰ درباره ارتباط معنایی ابیات زیر توضیح دهید.
• چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم
• ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم / باز همانجا رویم، جمله که آن شهر ماست
- ۱۴۱ مولانا غزل زیر را درباره چه موضوعی سروده است؟
(الف) روز مرگ، چو تابوت من روان باشد / گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد
(ب) برای من مگری و، مگو دریغ! دریغ! / به دام دیو در افتی، دریغ آن باشد
- معنا و مفهوم ابیات و عبارات
- ۱۴۲ بیت «کدام دانه فرو رفت در زمین که نَرُست؟ / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟» بیانگر چه دیدگاهی است؟

۱۴۳ با توجه به درس «در کوی عاشقان» و غیبت شمس، مفهوم بیت:

اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفریید او شما را

در ارتباط با شخصیتی فریبکار است یا معشوقی دست‌نیافتنی؟

۱۴۴ مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«برای من مگری و مگو دریغ دریغ به دام دیو درافتی دریغ آن باشد»

الف) افسوس خوردن برای مرگ و گرفتار شدن در دام شیطان

ب) مرگ، افسوس خوردن و حسرت ندارد بهتراست گرفتار شیطان نشویم.

۱۴۵ بیت زیر، بیانگر چه دیدگاهی است؟

«کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟ چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد؟»

۱۴۶ با توجه به متن درس «در کوی عاشقان»، به اعتقاد مولانا، چه چیزی را باید مایهٔ دریغ و افسوس دانست؟

۱۴۷ دربارهٔ اصطلاحات «پیر و مراد» و پیوند آن با زندگی مولوی توضیح دهید.

۱۴۸ بیت‌های زیر را معنا کنید.

الف

اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفریید او شما را

ب

دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد پس من چگونه گویم، کاین درد را دوا کن

پ

ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست

ت

به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد

۱۴۹ با توجه به متن درس «در کوی عاشقان»، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف) عطار بعد از ملاقاتش با مولوی چه نظری دربارهٔ او داشت؟

ب) به چه دلیل به شمس، «شمس پرنده» می‌گفتند؟

پ) چه عاملی باعث شد که شمس قونیه را ترک کند؟

ت) دلیل دشمنی شاگردان مولوی با شمس چه بود؟

۱۵۰ عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف) زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگانِ عالم زَند.

ب) در مدرسه، به درس علوم دینی و ارشاد می‌پرداخت.

پ) طالبانِ علومِ شریعت در محضر او حاضر می‌شدند.

ت) در خانه بر آشنا و بیگانه بست و تدریس و وعظ را رها کرد.

ث

بروید ای حریفان، بکشید یارِ ما را به من آورید آخر، صنمِ گریزپا را

ج

به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زَرین بکشید سوی خانه، مَهِ خوبِ خوش‌لقا را

چ

هر نفسِ آوازِ عشق، می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

ح

رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن
ترک من خرابِ شبگرد مبتلا کن

خ

در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم
با دستِ اشارتم کرد که عزمِ سویی ما کن

د

برای من مگری و مگو دریغ دریغ
به دامِ دیو درافتی، دریغِ آن باشد

ذ

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست
چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد؟

ر

چنین قفس نه سزایِ چو من خوش‌آلحانی است
رَوَم به گلشنِ رضوان که مرغِ آن چمنم
حکایت‌نویسِ مباحش، چنان باش که از تو حکایت کنند.

ز

۱۵۱ با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«بروید ای حریفان، بکشید یارِ ما را
اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم
به من آورید آخر، صنمِ گریزپا را
همه وعده مکر باشد، بفریید او شما را»

الف

منظور از «یارِ ما» چه کسی است؟

ب

چرا شاعر صفتِ «گریزپا» را به کار برده است؟

پ

منظور از «همه وعده مکر باشد» چیست؟

۱۵۲

با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

«به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد
کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست
گمان مبر، که مرا دردِ این جهان باشد
چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد؟»

الف

منظور از «گمان مبر که مرا دردِ این جهان باشد» چیست؟

ب

بیت دوم بیانگر چه دیدگاهی است؟

۱۵۳

معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

کدام دانه در زمین فرو رفت که نرُست
چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد

۱۵۴

هر یک از عبارات زیر بیانگر کدام دیدگاه است؟

الف

ما به فلک بوده‌ایم، یارِ مَلک بوده‌ایم
باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست

۱۵۵

در رابطهٔ «مولانا» و «شمس» کدام یک «مرید» و کدام یک «مراد» دیگری بودند؟

۱۵۶

در بیت

«برای من مگری و مگو دریغ دریغ
شاعر چه چیزی را مایهٔ تأسف می‌داند؟
به دامِ دیو درافتی، دریغِ آن باشد»

۱۵۷

در عبارت «جلال‌الدین همواره خود را از مردم خراسان شمرده و همشهریانش را دوست می‌داشته و از یاد آنان، دلش آرام نبوده است»، قسمت مشخص‌شده به چه معناست؟

۱۵۸

مفهوم کلی عبارت زیر را بنویسید.

«یا عبدالکریم، حکایت‌نویسِ مباحش، چنان باش که از تو حکایت کنند!»

تاریخ ادبیات

۱۵۹ کتابی است عرفانی در مورد زندگی ابوسعید ابوالخیر. نام این کتاب (تذکره الاولیا / اسرار التوحید) است و نویسنده آن (محمد بن منور - عطار نیشابوری) نام دارد.

۱۶۰ هنگام دیدار فریدالدین عطار با مولوی در نیشابور، او کدام اثرش را به جلال‌الدین هدیه داد؟

۱۶۱ مولوی، اثر «مثنوی معنوی» را به خواهش چه کسی سرود؟ این اثر به طرز و شیوه کدام آثار پیش از مولوی خلق شد؟

۱۶۲ نویسنده یا سرائنده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

الف منطق‌الطیر:

ب الهی‌نامه:

پ اسرارنامه:

۱۶۳ نویسندگان آثار زیر را نام ببرید.

الف زندگانی جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی

ب اسرارالتوحید

۱۶۴ نویسنده کتاب «زندگی جلال‌الدین مولوی» چه کسی است؟

(۱) بدیع‌الزمان فروزانفر (۲) سعید نفیسی (۳) جلال‌الدین همایی (۴) مجتبی مینوی

۱۶۵ نام سه تن از شاعران هم‌عصر مولوی را بنویسید.

۱۶۶ دو تن از شاگردان نزدیک مولوی را نام ببرید که انگیزه سرودن مثنوی را در او ایجاد کردند.

درس نهم : ذوق لطیف واژگان

۱۶۷ برای هر یک از واژه‌های زیر، واژه‌ای متضاد بنویسید.

الف) تشرع (ب) شوریدگی

۱۶۸ در عبارات زیر معادل واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) او گاهی در قم نزد برادرش زندگی می‌کرد گاهی در کبوده.

ب) وقتی از عوارض مرگ سخن می‌گفت گفتارش با مقداری ظرافت و نقل همراه بود.

۱۶۹ در عبارت‌های زیر کدام واژه‌ها با هم مترادف معنایی دارند؟

- خاله‌ام با همه تمکّنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.

- با این همه، حضرت غنا، دیگری را به جای او نخواند.

۱۷۰ مترادف هر واژه را بنویسید.

مفاتیح (.....)

مستقر (.....)

متمکن (.....)

۱۷۱ برای واژه «مفاتیح» سه هم‌خانواده بنویسید.

۱۷۲ کلمات ردیف «الف» را به معادل‌های آن در ردیف «ب» وصل کنید.

الف) آرز (الف) سیرت

ب) کشاندن (ب) سنا

ج) روشنایی (ج) عاری

د) طریقه (د) حرص

ه) فاقد (ه) سوق دادن

۱۷۳) کلمات ردیف «الف» را به معادل‌های آنها در ردیف «ب» وصل کنید.

الف) راضی ساختن الف) چابک

ب) پیک ب) فصیح

ج) فرز ج) قاصد

د) زبان‌آوری د) حفرة

هـ) سوراخ هـ) اقناع

۱۷۴) در عبارات زیر معادل واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) خاله‌ام از جهت مالی متمکن بود.

ب) برای این خاله، من به منزلهٔ فرزند بودم.

۱۷۵) در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) از بحران‌های عصبی که امروز رایج است و تحفه برخورد فرهنگ شرق با غرب است، خبری نبود.

ب) وردزبان‌شان بود: مادر جون این طور گفت، مادر جون آن طور گفت.

۱۷۶) در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود.

ب) به عالم افسانه‌ها که همه پررنگ و نگار و آن همه پَران و نرم است راه پیدا کردم.

۱۷۷) در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) به این زندگی گذرا آن قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد.

ب) این سعدی همدم و شوهر و غمگسار او بود.

۱۷۸) در جملات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.

ب) این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی.

۱۷۹) در جملات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) خاله‌ام با همهٔ تمکّنی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.

ب) هنوز فهم من برای لطایف غزل سعدی کافی نبود.

۱۸۰) واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) خاله‌ام به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود نه از بخل.

ب) خاله‌ام طرفدار شعرهای اندرزی و تمثیلی بود.

۱۸۱) در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) خانهٔ کهن‌سالی بود و بر سر هم نکبت‌بار عاری از هرگونه امکان آسایش.

ب) جمع‌کنندهٔ اضداد: تشرّع و عرفان، شوریدگی و عقل.

۱۸۲) واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) من در آن اتاق کوچک با او آشنا شدم نظیر همان حجره‌هایی که خود سعدی در آن‌ها نشسته بود.

ب) از لحاظ آشنایی با ادبیات سعدی برای من به منزلهٔ شیر آغوز بود

۱۸۳) در عبارات واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) مرتبی کار آزموده‌ای نداشتم.

ب) سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد.

ج) قوز می‌کردم و از فرط هیجان لگه می‌دویدم.

۱۸۴) در جملات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) هر دو چنان بودیم که در پالیز سعدی می‌چریدیم.

ب) بدین جهت هر کس از کار خویش مسرور بود.

۱۸۵ در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) آفتاب طراوت بخش بهاری به روی ما تبسم کرد.

ب) پسر روستایی نمد کوچک خویش را بر دوش انداخته.

۱۸۶ در جملات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) پنداشتی با زبان بی‌زبانی می‌خواست به ما تهنیت بگوید.

ب) پس از چند ساعت بازی و سبکسری به استراحت نشستیم.

۱۸۷ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) هر یک آرمانی داشتند که برای سایرین با نهایت صراحت و سادگی بیان می‌کردند.

ب) از این رو مسرتی یافت پس جواب داد: «نوکر شما، حسین».

۱۸۸ در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) در این بین من متأثر شدم.

ب) پدرم یک جفت گیوه برایم خریده است.

۱۸۹ در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) کلاهی برایم آورد که هنوز با لفاف کاغذی در گوشه اتاق است و قباى سبز.

ب) سومی گفت: آقای شاعر با قریحه، لطفاً در همین مجلس بالبداهه شعری در مدح گیوه بگویید.

۱۹۰ در متن زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«عزیز ترین رفقای من حُسن سیرت را با صباحت توأم داشت».

۱۹۱ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) بالجمله هر کس آرمان خود را بیان داشت.

ب) به پاکی قاصد بی گناه بهار و به طهارت دوشیزه سفیدروی بوستان سوگند.

۱۹۲ در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) بیابید آن را در خانه خویش، میان اوراق کتابی، به یادگار ایام جوانی ضبط کنیم.

ب) امروز کار بسزا این است که از کمک به یکدیگر فروگذاری ننماییم.

۱۹۳ در عبارات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) باید به شکل بدیهی، میثاق امروزی را مؤکد سازیم.

ب) محبت و علاقه هیچ‌یک از دیگری سلب نمی‌شود.

۱۹۴ در بیت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب و سرد و استسقا»

۱۹۵ معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) نیاز آورده و بر آن بامداد فرخنده، جفت خویش را می‌خواند.

ب) کامش را شیرین کنیم.

پ) با ادب و تواضعی عجیب آنها را گرفت.

ت) رفقا، زندگانی آینده ما دستخوش تصادف و اتفاق است.

ث) میثاق امروزی را مؤکد سازیم.

ج) مادرم توکلی داشت که به او مقاومت و استحکام اراده می‌بخشید.

چ) سعدی هم هیبت یک آموزگار را دارد هم مهر یک پرستار.

ح) به نقد باید آرزوهای دیگران را شنف.

۱۹۶ با توجه به معانی داده شده یک واژه مناسب از متن درس بیاورید.

الف) پارچه کُلفت که از کوبیدن و مالیدن پشم یا گرگ به دست می‌آید و از آن به عنوان فرش استفاده می‌کنند یا کلاه و بالاپوش می‌سازند:

ب نام مرضی که بیمار، آبِ بسیار خواهد:

پ آرایش و زینتی که برای پذیرایی از مهمان محترم در خانه دهند:

ت چشیدن، تمایل فطری به چیزی مانند شعر و موسیقی:

ث جامه‌ای جلّوباز که پس از پوشیدن از جلو دکمه شود:

ج شعر نمادین و آمیخته به مَثَل و داستان:

چ اولین شیری که یک ماده به نوزادش می‌دهد و سرشار از مواد مقوی است:

۱۹۷ جدول زیر را با استفاده از واژه‌های مناسب کامل کنید.

واژه	مفرد	مترادف	هم‌خانواده
عوارض			
فصول			

۱۹۸ برای هر یک از واژه‌های زیر یک مترادف و یک هم‌خانواده بنویسید.

واژه	مترادف	هم‌خانواده
بُخل:		
تشرّع:		
عوارض:		
صراحت:		
مؤکّد:		

۱۹۹ در گروه کلمات زیر چهار غلط املایی بیابید و شکل درست آنها را بنویسید.

«فروگزاری و اهمال - سهل ممتنع - حجره و اتاق - غبا و عبا - تعمین زندگی - اقنای مخاطب - بالبداهه و ارتجالاً - طهارت و پاکی - تقدیر و سرنوشت»

۲۰۰ معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف این سعدی همدم و شوهر و غمگسار او بود.

ب در همین کورمال کورمال ادبی آغاز به راه رفتن کردم.

پ گونه گل‌های بنفشه را دُر افشان ساخته بود.

ت چلچله‌ها گرداگرد درختان بزرگ می‌رقصیدند.

ث رفیقی خوش خلق و بذله‌گو که عندلیب انجمن اُنس ما محسوب می‌شد.

ج آن‌گاه پنج دست چابک برگ‌های شکوفه را کردند.

۲۰۱ کدام واژه داخل کمانک از نظر املایی درست است؟

الف عزیزترین رفقای من که حُسن سیرت را با (صَباحت - سباحَت) توأم داشت، لبخندی زده، گفت من می‌خواهم با مایه اندک، بازرگانی را پیش

گیرم.

۲۰۲ نوشتار کدام واژه داخل کمانک، کامل‌کننده مفهوم عبارت است؟

الف عزیزترین رفقای من حُسن سیرت را با (سَباحت / صَباحت) توأم داشت.

۲۰۳ در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

۱) همه به غدر توانایی و هوش خویش تحصیل موفقیت نموده بودیم.

۲) رفیقی خوش خلق و بذله‌گو که عندلیب انجمن اُنس ما محسوب می‌شد.

۳) شعری در مدح گیوه من بگوئید تا بدانم قوّت طبع شما تا چه پایه است.

۴) طهارت این دوشیزه سفیدروی بوستان.

۲۰۴ در متن زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.

«هم حبیث یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار، هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.»

۲۰۵ چهار غلط املائی متن زیر را مشخص کرده و درست آنها را بنویسید.

«دومی شوخ‌تر می‌گفت: «بسیار خوب است و سلیقه تو را می‌پسندم و روزی که شاه شدم، تو را ملک‌الشعرا خواهم کرد.» سومی گفت: «آقای شاعر لطفن در همین مجلس، بالبداحه از امیر معذی تقلید کرده، شعری در مدح گیوه من بگوئید، بدانم قوت تبع شما تا چه پایه است.»

دستور

۲۰۶ در ترکیب‌های زیر هسته را بیابید و نوع ترکیب را مشخص سازید.

الف) خانه مشترک (ب) دایره مسائل (ج) مباحث مختلف

(د) عوارض مرگ (ه) سخنان جذاب

۲۰۷ از متن درس «ذوق لطیف» چهار ترکیب وصفی که اهمیت املائی دارند، بیابید و بنویسید.

۲۰۸ در گروه‌های اسمی زیر هسته را بیابید، نوع هسته را مشخص کنید.

الف) عالم افسانه‌ها (ب) آن زمان (ج) پیشامد ناگوار

(د) امکان آسایش (ه) زندگی درویشانه

۲۰۹ در گروه‌های اسمی نوع ترکیب را مشخص کنید.

الف) صورت خوش (ب) یک زن (ج) برخورد فرهنگ

(د) فصول ملایم (ه) بحران‌های عصبی

۲۱۰ در گروه‌های اسمی زیر هسته را بیابید و نوع ترکیب را مشخص کنید.

الف) جهات دیگر (ب) خانه کهن سال (ج) استحکام اراده

(د) هیچ مشکل (ه) پیشامد ناگوار

۲۱۱ در عبارت زیر:

«برای این خاله نیز به منزله فرزند بودم. گاه‌به‌گاه به دیدارش می‌رفتم و کنار همان پنجره می‌نشستم و او برای من قصه می‌گفت،»

الف) «به منزله» یعنی چه؟

ب) نقش دستوری «فرزند» را بنویسید.

پ) یک ترکیب وصفی در جمله سوم بیابید.

ت) مرجع ضمیر «ش» در واژه دیدارش چه کسی است؟

۲۱۲ نقش دستوری واژگان مشخص‌شده متن زیر را بنویسید.

«پسرک، آوازخوانان از پهلوی ما گذشت، نگاهی به ما کرده، لبخندی زد؛ پنداشتی با زبان بی‌زبانی می‌خواهد به ما که مانند خودش از رسیدن بهار

سر مستیم، عرض تبریک و تهنیت کند،»

۲۱۳ نقش دستوری قسمت مشخص‌شده در عبارت «سعدی»، این شیخ همیشه شاب، انعطاف جادوگرانه‌ای دارد» چیست؟

۲۱۴ در بند دوم درس «ذوق لطیف»، در کدام جمله‌ها، مفعول دیده می‌شود؟ «نهاد» جمله اول را مشخص کنید.

۲۱۵ نمونه‌ای از کاربرد نقش تبعی «بدل»، در متن درس «ذوق لطیف» را مشخص کنید.

آرایه‌های ادبی

۲۱۶ در عبارات زیر آرایه کنایه را بیابید.

الف) برخلاف مادرم که خشک و کم سخن بود خاله‌ام از مباحث مختلفی حرف می‌زد.

ب) او گاهی در قم نزد برادرش بود، گاهی در کبوده، نمی‌دانست در کجا ریشه بدواند.

۲۱۷ با توجه به متن درس در عبارات زیر «کنایه‌ها» را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

الف) او هنوز طفل و نارسیده بود.

ب) موهای ما نیز کافوری می‌شود.

پ) بر خلاف مادرم که خشک و کم‌سخن بود.

ت) چشم عقاب و لطافت کبوتر، که هیچ حفره‌ای از زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.

۲۱۸) آرایه برجسته عبارت زیر چیست؟

«از تهی سرشار / جویبار لحظه‌ها جاریست»

۲۱۹) آرایه متناقض‌نما را در دو سروده «قیصر امین‌پور» بیابید.

الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

ب) بارها از تو گفته‌ام از تو بارها از تو، بارها با تو

ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق! ای همه استعاره‌ها با تو

۲۲۰) عبارات و اشعار زیر را به نثر روان بنویسید:

الف) نمی دانست در کجا ریشه بدواند.

۲۲۱) در بیت‌های زیر «متناقض‌نما» را بیابید.

الف)

هر گز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟ من در میان جمع و دلم جای دیگر است

ب)

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

۲۲۲) در موارد «الف» و «ب» کدام آرایه ادبی مشترک است؟ توضیح دهید.

الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

ب) این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی است.

۲۲۳) در متن زیر آرایه‌های «تشبیه، استعاره و کنایه» را بیابید.

«من چون این حکایت‌ها را می‌شنیدم و می‌خواندم، لبریز می‌شدم، سراچه ذهنم آماس می‌کرد، بیشتر بر فوران تخیل راه می‌رفتم تا بر روی دو پا.»

۲۲۴) در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، تناقض و ایهام تناسب» را بیابید.

«کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی»

۲۲۵) در متن زیر دو «تناقض» و دو «کنایه» بیابید.

«این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، معلم اول، که هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار، چشم عقاب و لطافت کبوتر»

۲۲۶) باتوجه به عبارت زیر به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید.

«خاله‌ام با ذوق لطیفی که داشت مرا نخستین بار از طریق سعدی با شعر شاهکار آشنا کرد.»

الف) در کدام قسمت، آرایه حس‌آمیزی به کار رفته است؟

ب) واژه «سعدی» مجاز از چیست؟

۲۲۷) در عبارت زیر آرایه‌های «حس‌آمیزی و کنایه» را بیابید.

«برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت.»

۲۲۸) هر یک از آرایه‌های ادبی ستون «الف» مربوط به کدام عبارت ستون «ب» است؟ (دو آرایه اضافی است.)

«ب»

«الف»

۱- حس‌آمیزی الف) پس از تحریر مشتق، درس تاریخ خواندیم. هوس می‌کردیم در عین خنده گریه سر کنیم.

۲- متناقض‌نما (پارادوکس) ب) برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند.

۳- جناس

۴- ایهام

۲۲۹) در هر یک از موارد زیر قسمت مشخص شده کدام آرایه ادبی را نشان می‌دهد؟ توضیح دهید.

الف) برای من قصه‌های شیرین می‌گفت که او و مادرم هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند.

- ب هر دو چنان بودیم که گویی در پالیز سعدی می چریدیم.
پ باران بهاری، گونه گل‌های بنفشه را دُرافشان ساخته بود.
ت آسمان می خندید؛ گل‌ها از طراوت درونی خویش سرمست بودند.
ث

ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق! ای همه استعاره‌ها با تو

قرابت معنایی

- ۲۳۰ دربارهٔ ارتباط بیت پایانی و متن درس «ذوق لطیف» توضیح دهید.
۲۳۱ در درس «ذوق لطیف» راوی و زاویه دید چیست؟
الف) اول شخص ب) سوم شخص، دانای کل
۲۳۲ بیت زیر را معنی کنید.
«هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای
من در میان جمع و دلم جای دیگر است»
۲۳۳ عبارت «العَبْدُ يُدَبِّرُ و الله يُقَدِّرُ» با کدام گزینه ارتباط مفهومی دارد؟
۱) رفیقی خوش خلق و بذله گو که عندلیب انجمن اُنس ما محسوب می‌شد، از خندهٔ پسرک، شادمان، او را صدا زد.
۲) دور روزگار، بر سر ما چرخ‌ها خواهد زد و تغییرات بی‌شمار خواهد نمود؛ چه بسا که تقدیر ما چیز دیگر باشد.
۳) گفت‌وگو دربارهٔ مرا برای آخر بگذارید. به نقد باید آرزوهای دیگران را شنفِت.
۴) پیران در گذشته، جوانان در آینده و کودکان در اکنون زندگی می‌کنند.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

- ۲۳۴ نوع ادبی متن روان‌خوانی «میثاق دوستی» را با ذکر دلیل بنویسید.
۲۳۵ عبارت «در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می‌شنویم» بیانگر کدام ویژگی سبک سعدی است؟
۲۳۶ دربارهٔ مناسبت مفهومی متن روان‌خوانی «میثاق دوستی» و عبارت زیر توضیح دهید.
□ العَبْدُ يُدَبِّرُ و الله يُقَدِّرُ (بنده تدبیر و چاره‌اندیشی می‌کند و خداوند تقدیر را رقم می‌زند).
۲۳۷ درک و دریافت خود را از عبارت زیر بنویسید.
«هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.»
۲۳۸ معنی و مفهوم جمله‌های زیر را بنویسید.
الف) سراجۀ ذهنم آماس می‌کرد:
ب) از فرط هیجان لگه می‌دویدم:
۲۳۹ کدام عبارت درس «ذوق لطیف»، به ویژگی سهل‌ممتنع بودن سبک سعدی اشاره دارد؟
۲۴۰ عبارت «دور روزگار، بر سرما چرخ خواهد زد و تغییرات بی‌شمار خواهد نمود» چه ارتباط مفهومی با بیت زیر دارد؟
«گاهی تو گلخنی را بینی شده امیر
روز دگر امیر اجل گشته گلخنی»
۲۴۱ مفهوم مشترک عبارت «خاله‌ام با همهٔ تمگنی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود» با بیت زیر چیست؟
«چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر که یک جو منت دونان به صد من زر نمی‌ارزد»
۲۴۲ عبارت «هر عصب و فکر، به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.» چه ارتباط مفهومی با بیت زیر دارد؟
«در دایرهٔ قسمت ما نقطهٔ تسلیمیم لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی»
۲۴۳ بیت «به حرص ار شربت‌ی خورد مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا» چه ارتباطی با بیت زیر دارد؟
«مُلحِد (کافر) گرسنه در خانهٔ خالی بر خوان عقل باور نکند کز رمضان اندیشید»

۲۴۴) باتوجه به درست «ذوق لطیف» می‌توان گفت کتاب «روزها» اثر اسلامی ندوشن نمونه خوبی از است.

الف) سفرنامه‌نویسی ب) شرح حال‌نویسی

۲۴۵) باتوجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او سخن بگوید و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می‌شنویم»

الف) مفهوم عبارت بالا به کدام شیوه سخن‌پردازی سعدی اشاره می‌کند؟

ب) تناقض را در عبارت بالا بیابید.

۲۴۶) مفهوم کلی عبارت زیر چیست؟

«سعدی که انعطاف جادوگرانه‌ای دارد آنقدر خود را خم می‌کرد که به حد فهم ناچیز کودکانه من برسد.»

الف) انعطاف‌پذیری کلام سعدی ب) سهل‌ممتنع بودن کلام سعدی

۲۴۷) باتوجه به عبارت زیر به سؤال پاسخ دهید.

«خاله‌ام با همه تمکینی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود نه از بخل بلکه از آن جهت که به بیشتر از آن احتیاج نداشت.»

* خاله نویسنده، چرا زندگی درویشانه‌ای را برگزیده بود؟

۲۴۸) در عبارت زیر شخصیت مورد نظر به خاطر داشتن چه ویژگی ستایش شده است؟

«با این حال، او نیز مانند مادر توکلی داشت که به او مقاومت و استحکام اراده می‌بخشید.»

۲۴۹) مفهوم کلی شعر زیر از «سپهری» چیست؟

«زندگی، رسم پذیرایی از تقدیر است وزن خوشبختی من، وزن رضایتمندی است.»

الف) سرنوشت‌گرایی ب) اختیار‌گرایی

۲۵۰) عبارت زیر را معنا کنید.

«هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ایمان وصل بود.»

۲۵۱) بیت زیر را معنا کنید.

«کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی»

۲۵۲) با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«هنوز فهم من برای دریافت لطایف غزل کافی نبود و خاله‌ام نیز که طرفدار شعرهای اندرزی و تمثیلی بود، به آن علاقه چندانی نشان نمی‌داد. از همان جا

بود که خواندن گلستان مرا به سوی تقلید از سبک مسجع سوق داد که بعد، وقتی در دبستان انشا می‌نوشتم، آنرا به کار می‌بردم.»

الف) خاله نویسنده به کدام قالب شعری علاقه نداشت؟

ب) نویسنده هنگام نوشتن انشا در دبستان، کدام ویژگی کلام سعدی را به کار می‌برده است؟

۲۵۳) در عبارت «خاله‌ام با همه تمکینی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود؛ نه از بخل بلکه از آن جهت که به بیش تر از آن احتیاج

نداشت، چرا خاله نویسنده به زندگی درویشانه، قناعت کرده بود؟

۲۵۴) منظور «دکتر محمد علی اسلامی ندوشن» از عبارت زیر چیست؟

«سعدی برای من به منزله شیر آغوز بود.»

۲۵۵) در جمله: «هر دو چنان بودیم که گویی در پالیز سعدی می‌چریدیم.» مقصود نویسنده از «پالیز سعدی» چیست؟

۲۵۶) در درس «ذوق لطیف» به نظر نویسنده، چگونه می‌توان، به‌رغم ناآشنا بودن با معنی برخی لغات، مفهوم متن را دریافت کرد؟

۲۵۷) با توجه به درس «ذوق لطیف»، چند ویژگی به‌ظاهر متضاد را که نویسنده درباره شعر سعدی برشمرده است، بیان کنید.

۲۵۸) نویسنده درس «ذوق لطیف» برای قصه‌های ایرانی چه ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد؟

۲۵۹) عبارات و اشعار زیر را به نثر روان و امروزی بنویسید.

الف) سراچه ذهنم آماس می‌کرد.

۲۶۰) عبارات و اشعار زیر را به فارسی روان بنویسید.

الف) سراچه ذهنم آماس می‌کرد بیش‌تر بر قوران تخیل راه می‌رفتم.

۲۶۱ با توجه به متن درس «ذوق لطیف»، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف به نظر نویسنده خصوصیت متمایز «سعدی» چیست؟

ب با توجه به متن درس «موجودی یک کتابی بودن» یعنی چه؟

پ به نظر نویسنده چرا در آن زمان «خوب و بد را به عنوان مشیت الهی» می پذیرفتند؟

ت با توجه به متن درس اینکه «سعدی انعطاف جادوگرانه‌ای دارد»، یعنی چه؟

۲۶۲ معنی هر یک از عبارات و بیت‌های زیر را بنویسید.

الف در همین کورمال کورمال ادبی آغاز به راه رفتن کردم.

ب چشم عقاب و لطافت کبوتر، که هیچ حفره‌ای از زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.

به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

ت هر دو چنان بودیم که گویی در پالیز سعدی می چریدیم؛ از بوته‌ای به بوته‌ای و از شاخی به شاخی.

۲۶۳ عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می پذیرفت.

ب سراچه ذهنم آماس می کرد. بیشتر بر قورانِ تخیل راه می رفتم تا بر روی دو پا.

پ قوز می کردم و از فرط هیجان لگه می دویدم.

ت از لحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من به منزله شیر آغوز بود.

ث من از همه خیال پرست تر می خواستم وقت خود را به شعر و شاعری صرف کنم.

ج قوت طبع شما تا چه پایه است.

چ حسن سیرت را با صباحت توأم داشت.

ح زندگانی آینده ما دستخوش تصادف و اتفاق است.

خ چه بسا که تقدیر ما چیز دیگر باشد ...

د امروز کار بسزا این است که هر چه در آینده برای ما پیش آید جانب دوستی را نگاه داشته، از کمک به یکدیگر فروگذار ننماییم.

ذ باید به شکل بدیهی میثاق امروز را مؤکد نماییم.

ر به پاکی قاصد بی‌گناه بهار و به طهارت این دوشیزه سفیدروی بوستان، سوگند که در تمام احوال و انقلابات روزگار مثل برگ‌های این گل پاک‌دامن از یکدیگر حمایت کنیم.

ز اگر تندبادی ما را از هم جدا کرد، محبت و علاقه هیچ‌یک از دیگری سلب نشود.

۲۶۴ با توجه به بند زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«رفقا! زندگانی آینده ما دستخوش تصادف و اتفاق است. دور روزگار، بر سر ما چرخ‌ها خواهد زد و تغییرات بی‌شمار خواهد نمود؛ امروز کار بسزا این است که با یکدیگر عهد کنیم هر چه در آینده برای ما پیش آید، جانب دوستی را نگاه داشته، از کمک به یکدیگر فروگذاری ننماییم.»

الف منظور از جمله «دور روزگار، بر سر ما چرخ‌ها خواهد زد» چیست؟

ب از نظر نویسنده، بهترین عملی که اکنون می‌توان انجام داد چیست؟

۲۶۵ اشعار و عبارات زیر را به نثر ساده و روان برگردانید.

الف سراچه ذهنم آماس می کرد.

۲۶۶ برای هر عبارت، یک مفهوم ارزشمند بنویسید.

الف هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را مشیت الهی می پذیرفت.

۲۶۷ معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف نمی‌دانست در کجا ریشه بدواند.

۲۶۸ با توجه به عبارت زیر «نداشتن ایمان» چه پیامدی دارد؟

«از بحران‌های عصبی که امروز رایج است و تحفه برخورد فرهنگ شرق با غرب است، در آن زمان خبری نبود. هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.»

۲۶۹ در بیت زیر، شاعر چه درخواستی دارد؟

به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

۲۷۰ منظور از عبارت «سعدی، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی است» چیست؟

۲۷۱ با توجه به عبارت زیر، چه چیزی موجب می‌شود انسان در برابر پیشامدها مقاوم‌تر باشد؟

«به این زندگی گذرا آن‌قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگار و در نظرش اگر یک روی زندگی زشت می‌شد، روی دیگر بود که بشود به آن پناه برد.»

۲۷۲ در کدام عبارت به ویژگی «سهل‌ممتنع» بودن سبک سعدی اشاره شده است؟ توضیح دهید.

۱) سعدی که انعطاف جادوگرانه‌ای دارد، آن‌قدر خود را خم کرد که به حد فهم ناچیز کودکانه من برسد.

۲) این تنها، خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به همین کس شبیه نباشد.

تاریخ ادبیات

۲۷۳ کتاب «روزها» اثر کدام نویسنده معاصر است؟

۲۷۴ سراینده هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف

به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

ب

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟ من در میان جمع و دلم جای دیگر است

پ

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

۲۷۵ نویسنده اثر زیر را بنویسید.

میثاق دوستی:

پاسخنامه تشریحی

- ۱) معنای واژه سنا: نور - روشنایی - فروغ
 - ۲) الف) افغان: فریاد و زاری / برزن: کوی، محله
(ب) تشییع: دنبال جنازه رفتن
 - ۳) «الف» صنم = بت
(ب) «ب» خوش لقا = ماه سیما
 - ۴) الف) دستار: عمامه، سربند، شال دورسر
(ب) صحبت: هم نشینی
 - ۵) واژه «فروغ» معادل واژه «سنا» است. سنا یعنی: روشنایی و فروغ
 - ۶) الف) گلشن: باغ، روضه، گلزار
(ب) شبگرد: شبرو
 - ۷) الف) تشییع: به دنبال جنازه رفتن
(ب) خلوت: تنهایی گزیدن، تنهایی
(ج) طعن: ملامت، نیزه زدن، سرزنش کردن
 - ۸) الف) ملامت گو: سرزنش کننده
(ب) زاهد: یارسا، پرهیزگار
(ج) وعظ: اندرز، پنددادن
 - ۹) الف) لَین: نرم
(ب) سزا: شایسته / خوش الحان: خوش آواز / روضه: باغ، گلزار
 - ۱۰) استاد، مربی، هدایت گر، راهنما
 - ۱۱) واژه «ثنایی» در بیت بالا به معنی «ستایش» است و به همین دلیل باید «ثنایی» نوشته شود نه سنایی.
معنی مصرع دوم: تو نماینده بخشش هستی، فقط تو شایسته ستایش هستی
معنی سنایی: نور و روشنایی، فروغ
 - ۱۲) شکل درست واژه املائی: صلاح کار
معنی مصراع اول: درستی کار کجا و من مست کجا، من با درستی کار نسبتی ندارم.
 - ۱۳) شکل درست واژه املائی: اسرار، اسرار حق آموختند: رازهای الهی را آموزش دادند.
- | | | | |
|-----|---|-----|--------------------------|
| الف | ← | د | طعن: ملامت و سرزنش |
| ب | ← | هـ | عمامه: سربند و دستار |
| ج | ← | ب | صنم: بت و دلبر |
| د | ← | ج | هیاو: بانگ و غوغا |
| هـ | ← | الف | فر: شأن و شوکت |
| الف | ← | ج | لَین = نرم |
| ب | ← | د | خطاب = سخن رو در رو گفتن |
| ج | ← | الف | رُستن = رو بیدن |
| د | ← | ب | خاتون = بانو و خانم |
- ۱۴)

الف	←	ج	صنم: بت و دلبر
ب	←	هـ	عمامه: سربند و دستار
ج	←	د	طعن: ملامت و سرزنش
د	←	ب	صنم: بت و دلبر
 - ۱۵)

الف	←	ج	رُستن = رو بیدن
ب	←	د	خاتون = بانو و خانم
ج	←	الف	فر: شأن و شوکت
د	←	ب	صنم: بت و دلبر
 - ۱۶) بالین: بستر / شبگرد: شبرو / مبتلا: بیمار
 - ۱۷) مَلک: فرشته / جمله: همه، همگی
 - ۱۸) راست اول متضاد چپ، سمت راست.
راست دوم: مخفف راست است
عزم: قصد، نیت، آهنگ، اراده کردن

- ۱۹ الف (طرز: شکل، طریقه، قاعده / سنایی: روشنایی، فروغ) (تخلص شاعر قرن ۶)
(ب) قدّس الله روحه العزیز: خداوند روح عزیزش را پاک گرداند.
- ۲۰ صلاح: خیر و نیکی، درستی
حُسام: شمشیر تیز و برّان
- ۲۱ الف (اشتیاق: میل و آرزو داشتن به دیدار محبوب.
(ب) سیرت: خلق و خو، مذهب / ستوده: ستایش شده (از مصدر ستودن)
- ۲۲ الف (انقلاب: دگرگونی، تحوّل
(ب) ارشاد: هدایت کردن، راه حق را نشان دادن
- ۲۳ زرّین: طلائی، از جنس طلا و زر (صفت نسبی است)
خوش‌لقا: زیبارو، خوش‌سیما، آنکه صورتی خوش و زیبا داشته باشد.
- ۲۴ واژه‌های حریف در متن سؤال به معنی «همدم و رفیق و هم‌نشین» است و با مصراع «الف» همسانی و مترادف دارد.
معنی الف): نی همدم انسان‌هاییست که از یارشان جدا شده‌اند.
معنی ب): آن مبارز سرهای رقیبان جنگی را نابود کرده است (کنایه از کشتن).
- ۲۵ حریف: همدم، رفیق، هم‌نشین
صنم: بت، دلبر
- ۲۶ مشایخ: پیران، عالمان و مرشدان
سیر: گردش، سفر، از جایی به جایی دیگر رفتن
- ۲۷ الف (معارف: جمع معرفت، علوم
(ب) صحبت: هم‌نشینی، مصاحبت، گفتگو کردن
- ۲۸ الف (نمایان: آشکار، پیدا، هویدا
(ب) مرشد: ارشاد‌کننده، راهنما، پیشوا، متضادّ مرید و سالک
- ۲۹ الف (زهد: پارسایی، پرهیزگاری، تقوا / متّفق: موافق، همسو، هم‌عقیده.
(ب) ناگزیر: ناچار
- (ج) تکاپو: رفت و آمد به تعجیل، جست‌وجوی بسیار، جستن و تفحص زیاد.
- ۳۰ الف (محضر: محلّ حضور، جای حاضر شدن.
(ب) ملامت: سرزنش، نکوهش.
- ۳۱ تقوا: پرهیزگاری، زُهد / فضل: برتری، کمال، معرفت، بخشش
(ب) انکار: نفی کردن، مُنکر شدن / عازم: راهی، رهسپار
- ۳۲ الف (فرید: یگانه، یکتا
(ب) بهاء: درخشندگی، رونق، شکوه / مناسک: جمع منسک یا منسک، اعمال عبادی، آیین‌های دینی.
- ۳۳ الف (ملقب: دارای لقب
(ب) اصرار: پافشاری کردن، الحاح / مریدان: شاگردان / وعظ: اندرز، اندرز دادن
- ۳۴ الف (هراس: بیم، ترس، پروا
(ب) نواحی: جمع ناحیه، مناطق، اقلیم‌ها
- ۳۵ الف (قونیّه: یکی از شهرهای آسیای صغیر در کشور ترکیه امروزی
(ب) دیار: سرزمین، شهر / بصیرت: بینش، دانایی
- ۳۶ الف (اقامت: جای گزیدن، زیستن
(ب) مقامات: درجه‌ها و مرتبه‌های دانش
- پ شریعت: شرع، آیین، راه دین
- ت وعده: قول، قرار / دمی: لحظه‌ای، وقتی، زمانی
- ث پرغوغا: پر سروصدا
- ج پیشگاه: آستانه، درگاه

ج سرآمد: برتر، بالاتر، برجسته، ممتاز

ح بی تابانه: نا آرام، به هم ریخته / بالین: بستر، محل خواب

خ دوش: دیشب

د دریغ: افسوس

۳۷

الف تاخت و تاز: حمله

ب مکر: نیرنگ، فریب

پ فلک: آسمان

ت مرثیه: سوگ سرود، شعری که در مرگ کسی سروده شود.

ث حکایت: داستان

۳۸ غلط‌های املائی و شکل درست آنها: صلاح و درست (مترادفند) - خرد و بزرگ (متضادند) - خاستن و بلند شدن (مترادفند)

۳۹ املائی درست و اثرگان چنین است: وعظ، سیر و سفر، شهر حلب، صاحب بصیرت، هراس، اصرار

۴۰ املائی درست و اثره‌ها: پژمردگی - صنم - عزم - عازم - قرائت - فرصت - طعن - دریغ - مطلق است.

۴۱ غلط‌های املائی و شکل صحیح آنها: سنا و فروغ (مترادفند) - اصرار و پافشاری (مترادفند) - حریف و مونس

۴۲

الف رضوان

ب خلوت نشستن

پ قَدْ سَ اللّٰه روحه العزیز

ت مناسک

ث محضر

۴۳

الف

اصرار

۴۴ دو واژه «اسرار» و «عذر» نادرست و شکل صحیح آنها «اصرار» و «عذر» است.

۴۵ گزینه «۴»: «ازم» نادرست و شکل صحیح آن «عزم» است.

۴۶ درگزشت ← درگذشت / اسرار ← اصرار / وعظ ← وعظ / هَلَب ← حَلَب

۴۷ «روسیه» نقش بدلی دارد واژه روسیه بدل از گروه اسمی «همسایه شمال ایران» است.

* یادآوری:

بدل:

۱- قابل حذف است.

۲- نباید جمله باشد

۳- نباید نقش دیگر بپذیرد

۴- باید توضیحی برای کلمه قبل از خود باشد.

۴۸ الف) یک معطوف وجود دارد. خویشان معطوف به مفعول است و «خویشان» بعد از واو عطف قرار گرفته است (معطوف به مفعول)

ب) «پنج شش ساله» مسند است.

۴۹ * پدر جلال‌الدین، محمد بن حسین خطیبی، به سبب هراس از بی‌رحمی‌ها و کشتار لشکر مغول و رنجش از خوارزم‌شاه، ناچار از بلخ مهاجرت کرد.

معطوف

معطوف

بدل

* جلال‌الدین محمد به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.

معطوف

معطوف

* مولانا عذرشان را پذیرفت و فرزند خود، سلطان ولد را با غزلی به طلب شمس روانه دمشق کرد.

بدل

* بیماری مولانا سخت شده بود، خویشان و پیوستگان، بسیار نگران و بی‌قرار بودند.

معطوف

معطوف

* سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد.

بدل

* چه فاجعه‌ای است در آن لحظه که یک مرد می‌گیرد، چه فاجعه‌ای

تکرار

* ز هر کوی ز هر کوی یکی دود دگرگون دگر بار دگر بار چه سوداست خدایا

تکرار

تکرار

* فتادیم فتادیم بدان‌سان که نخیزیم ندانیم ندانیم چه غوغاست خدایا

تکرار

تکرار

* چه گرمیم چه گرمیم از این عشق چو خورشید چه پنهان و چه پنهان و چه پیداست خدایا

تکرار

تکرار

۵۰ مجالس وعظ - اصرار مریدان - آوازه تقوا - مناسک حج - عازم دمشق - طالبان علوم شریعت - هیاهوی مردم - غضب مردم - دستار خود - طعن دشمنان - اهل قونیه

۵۱ گزینه (ج) قید، مضاف الیه، متمم

۵۲ صاحب بصیرت معطوف یا حسام الدین معطوف به صلاح الدین // شیخ صلاح الدین زرکوب و حسام الدین چَلپی بدل از یاران نزدیک خود

۵۳ بدل: این آسمان تیره و تار

۵۴ الف) بوستان

ب) استاد (گروه بدلی: استاد بزرگ ادبیات فارسی)

۵۵ دقیق: معطوف / شاعران حماسه‌سرا: بدل

۵۶ بدل: غزل سرای بزرگ ایران

معطوف: بوستان

۵۷ بدل

۵۸ الف) اخوان ثالث ب) فروشگاه

۵۹ این بلندترین کوه ایران: بدل

سلام: تکرار

دشت: معطوف

۶۰ الف) آخرین پیامبر: بدل

ب) نیما: معطوف

۶۱ الف) معطوف: شورانگیز ب) گروه بدلی: این دُر گرانمایه انسانیت

۶۲ عمیق: معطوف / بدیع: معطوف

۶۳ الف) معطوف: لطیف

ب) بدل: مرکز تفکرات آسمانی

۶۴ الف) شاخص: استاد

ب) بدل: استاد علی‌اکبر دهخدا - لغت‌نامه

۶۵ الف) بدل: استاد بزرگ ادب فارسی ب) معطوف: علمی

۶۶ ملّی: معطوف / اعتصام‌الملک: بدل

۶۷ در عبارت سوال پنج ترکیب اضافی وجود دارد. ۱- هنگام غروب / ۲- غروب آفتاب / ۳- خورشید عمر / ۴- عمر مولانا / ۵- جهان آخرت

۶۸ «من» در مرا نقش مفعولی دارد. اما او در «او را» نقش متممی دارد. حرف «را» در عبارت «او را چیزی می‌نوشتم» حرف اضافه است به معنی «برای» و واژه قبل از

آن متمم است. تا برای او چیزی می‌نوشتم.

حرف اضافه متمم

۶۹ نقش تبعی عبارت بالا «بدل» است. «ابوسعید» بدل از «شیخ ما» است.

۷۰ بدل: سیه گلیمان

ما، سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید.

بدل از ما نشانه مفعول

۷۱) تکرار: واژه «دریغ» در مصراع اول نقش مفعولی دارد و دو بار «تکرار» شده است.

*دریغ در مصراع دوم نقش تبعی نیست زیرا نقش نهادی دارد.

*«واو» در مصراع اول «واو عطف و پیوند» است.

۷۲) در بیت سوال دو بار از معطوف استفاده شده است: ۱- حور ۲- جام می

* «واو» قبل از واژه «امروز»، «واو عطف و پیوند» است.

۷۳) بدل: واژه «خود» بدل از «تو» است.

* در مصراع دوم حرف «واو»، «حرف عطف و پیوند» است.

۷۴) «ب» - «آب» نقش مفعولی دارد، واژه «آتش» بعد از «واو عطف» آمده است و معطوف به مفعول است.

* در بیت «الف» حرف «واو» حرف عطف و پیوند است.

۷۵) الف) ترکیب‌های وصفی: ندارد

ترکیب‌های اضافی: بَرَم ← بَرَمَن

ب) ترکیب‌های وصفی: دَمی دگر، همه وعده

ترکیب‌های اضافی: ندارد.

۷۶) تعداد ترکیب‌های وصفی پنج مورد: ۱- صنم گریزپا / ۲- ترانه‌های شیرین / ۳- بهانه‌های زَرین / ۴- مه خوب / ۵- مه خوش لقا

تعداد ترکیب‌های اضافی: یک مورد: یارِ ما

*دَقّت کنید واژه «سوی» حرف اضافه است و واژه بعد از آن «خانه» نقش متممی دارد بنابراین «سوی خانه» ترکیب اضافی نیست.

۷۷) ترکیب‌های اضافی عبارت‌اند از: یاران مولانا - پژمردگی او - دل تنگی او - غیبت شمس - کردار خود

۷۸) تنها نقش تبعی در عبارت سؤال «معطوف» است. واژه «پیغام» معطوف به مفعول است. واژه «نامه» نقش مفعولی دارد.

*دَقّت کنید سایر «واو»هایی که در عبارت وجود دارد «واو عطف و پیوند» است.

۷۹) در متن سؤال دوبار از معطوف استفاده شده است: ۱- علما ۲- زاهدان

*حرف «واو» در عبارت «و به سرزنش او پرداختند» واو عطف است.

۸۰) ترکیب‌های وصفی: هفت مورد: ۱- همه عالم / ۲- همه استادی / ۳- این ایام / ۴- این خلوت / ۵- خلوت عارفانه / ۶- چهل روز

ترکیب‌های اضافی سه مورد: ۱- علم خویش / ۲- استادی خویش / ۳- خدمت شمس

۸۱) معطوف‌های عبارت بالا: ۱- خلوت / ۲- بیگانه / ۳- وعظ

*دَقّت کنید «واو» در جملات «و با او به صحبت نشست»، «و در خانه بست»، «واو عطف و پیوند» است.

۸۲) الف) معطوف: مردی حقیقی

* حرف «واو» در «و مولانا جلال‌الدین ...»، «واو عطف است.

ب) در متن سه ترکیب اضافی وجود دارد: ۱- طلب مردان / ۲- مردان خدا / ۳- لطف خدا

۸۳) «او» نقش مفعولی دارد. زیرا قبل از «را» مفعولی آمده است.

«شمس پرنده» نقش مسندی دارد. زیرا فعل «می‌گفتند» هرگاه به معنی «به حساب آوردن» باشد علاوه بر مفعول به مسند نیاز دارد.

۸۴) در متن سؤال «شش» ترکیب اضافی وجود دارد. ترکیب‌های اضافی عبارت‌اند از: ۱- پدر جلال‌الدین / ۲- دانشمندان روزگار / ۳- روزگار خود / ۴- سبب

هراس / ۵- کشتار لشکر / ۶- لشکر مغول

۸۵) الف) ترکیب‌های اضافی: شغل تدریس - حضورش (حضور او) - مردم روزگار - تقوای او - زهد او - آفتاب عشق - شمس حقیقت - برابرش (برابر او)

ب) در عبارت سؤال سه معطوف وجود دارد. معطوف‌ها عبارت‌اند از: ۱- پیروان / ۲- زهد / ۳- شمس

*حرف «واو» در عبارت «و مردم روزگار متفق بودند»، «و شاگردان بهره بردند»، «واو عطف» است.

۸۶) ترکیب‌های اضافی عبارت سؤال عبارت‌اند از: علت شهرت - شهرت او - اقامت وی (او) - شهر قونیه - مردم خراسان - همشهریانش (همشهری‌های او) - یاد

آنان - دلش (دل او)

۸۷) ترکیب وصفی: این ایام

ترکیب‌های اضافی: خاندانش (خاندان او) - قصد حج

۸۸) ترکیب‌های اضافی: فرمان پدر - پدر خود

* گروه اسمی «گوهر خاتون سمرقندی» ترکیب وصفی است.

۸۹) ترکیب‌های وصفی: پادشاهی دانا - پادشاهی صاحب‌بصیرت - پادشاهی عالم پرور - محیطی آرام - محیطی آزاد - آن نواحی - آن سرزمین - علاقه فراوان

ترکیب‌های اضافی: پدر مولانا - دیار روم - تاخت و تاز سپاه - سپاه مغول - مردم سرزمین

۹۰ الف) معطوف‌های عبارت بالا عبارت‌اند از: ۱- شام ۲- ارشاد

ب) ترکیب‌های اضافی موجود در جملهٔ اول: ۱- شهر حلب ۲- شهر شام

۹۱ معطوف‌های عبارت سؤال عبارت‌ند از: شاگردان- وعظ

* حرف «واو» در گروه اسمی «بیست و چهار سال» جزئی از واژه است و «واو عطف» نیست.

۹۲ در متن بالا سه بار از نقش معطوف استفاده شده است. معطوف‌های عبارت بالا عبارت‌ند از: صاحب بصیرت - عالم پرور - آزاد

* «واو» در «تاخت و تاز» جزئی از واژه است.

* «واو» در عبارات «و پادشاهی ...» و «و ربط است».

۹۳ نقش‌های تبعی:

۱- معطوف: فضل - تاثیر بهاء‌ولد

۲- بدل: علاء‌الدین کیقباد

* حرف «واو» در «و پادشاه سلجوقی از مقامات او آگاهی یافت»، «واو ربط» است چون بین دو جمله آمده است.

۹۴ الف) در عبارت سؤال نقش تبعی وجود ندارد. حرف «واو» در «و مدّتی در آن نواحی به سربرد»، «واو ربط» است نه «واو عطف».

ب) مفعول جملهٔ اول عبارت: مناسک حج

ج) «مسند» در جمله دوم: روانه

۹۵ * کتاب اسرار نامه: نقش «مفعول» دارد.

* بهاء‌الدین: نقش «بدلی» دارد بدل از متمدّم است. «پدرش» نقش متممی دارد.

* این پسر تو: نقش «نهادی» دارد.

۹۶

الف) در عبارت سؤال دوبار از نقش تبعی استفاده شده است.

۱- معطوف: کشتار لشکر مغول (چون بعد از واو عطف آمده است)

۲- رنجش از خوارزمشاه (چون بعد از واو عطف قرار گرفته است)

ب) نقش دستوری «پدر جلال‌الدین» نهاد است.

۹۷ محمد حسین خطیبی، بدل از «پدر جلال‌الدین» است. «پدر جلال‌الدین» نقش نهادی دارد و بدل آن «محمد حسین خطیبی» بدل از نهاد است.

بدل: گروه یا کلمه‌ای است که در توضیح کلمهٔ قبل از خود بیاید و قابل حذف باشد.

۹۸ الف) اقامت طولانی وی: گروه مسندی است. فعل «بوده است» فعل اسنادی است و نیاز به مسند دارد.

ب) از مردم خراسان: گروه مسندی است. فعل «شمرده است» به معنی به حساب آوردن علاوه بر مفعول، نیاز به مسند دارد. «از مردم خراسان» متممی است که در

جایگاه مسند قرار گرفته است.

ضمیر «ش» در همشهریانش نقش مضاف‌الیهی دارد: همشهریان او

هسته مضاف‌الیه

۹۹ «ملقب به جلال‌الدین، مشهور به مولانا یا مولوی» گروه بدلی است؛

واژه «محمّد» نقش نهادی دارد بنابراین نقش گروه بدلی بدل از نهاد است.

بدل: گروه یا کلمه‌ای است که در توضیح کلمه یا گروه قبل از خود بیاید و قابل حذف باشد. بدل نباید نقش دیگری داشته باشد.

۱۰۰

الف) می‌گذرانید: ماضی استمراری

ب) گوید = بگوید: مضارع التزامی

پ) برود: مضارع التزامی نشنوند: مضارع التزامی منفی

ت) بوده‌ایم: ماضی بعید رویم: مضارع اخباری (می‌رویم)

۱۰۱

الف) نهاد

ب) صفت

پ) مسند

ت) خبر: مفعول - کشته شد: فعل

۱۰۲

- الف خود
ب طاووس
پ خود
ت پنجم شعبان

۱۰۳

- الف بزرگ ← معطوف / مولانا ← بدل
ب مولانا ← تکرار
پ خود ← بدل
ت قربانی، عمرانی ← معطوف / دانش آموزان پایه یازدهم ← بدل

۱۰۴

- الف «علاءالدین کیقباد» بدل است.
ب «راست» معطوف است.

۱۰۵

- الف دو متمم
ب «چو» یا «که»
پ دریغ
ت نادرست

۱۰۶ «کدام»: صفت پرسشی؛ «این»: صفت اشاره

۱۰۷ «جلال الدین»: متمم (بعد از حرف اضافه آمده است). «بهاء الدین»: بدل؛ «این»: صفت اشاره و وابسته پیشین «پسر»: عالم: مضاف الیه

۱۰۸ الف. شبها

ب. شاگرد مولانا: بدل

۱۰۹ الف. تقوا و فضل فراگرفت و پادشاه سلجوقی

حرف ربط

حرف عطف

ب. «و» حرف ربط

۱۱۰ گزینه «ب» یا «فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد»

۱۱۱ عبارت «مولانا در معارف شمس غرق شد» استعاره است. زیرا معارف به دریایی تشبیه شده که مولانا در آن غرق شده است. واژه «دریا» نیامده و یکی از ویژگی‌های آن (غرق شدن) آمده است.

۱۱۲ زانو زدن در برابر کسی کنایه از تعلّم و علم‌آموزی و پذیرش استادی آن مرشد و استاد است.

۱۱۳ آتش در کسی زدن کنایه از بی‌قرار و شیفته کردن کسی.

۱۱۴

الف سوختگان کنایه از عاشقان و عارفان / آتش زدن کنایه از از بین بردن، نابود کردن، در اینجا: عاشق کردن، شور به پا کردن

- ب روی آوردن کنایه از توجه کردن
پ غرق شدن کنایه از توجه بسیار، تمرکز کردن
ت زانو زدن کنایه از شاگردی کردن
ث سرگرم کردن کنایه از مشغول شدن
ج دل کندن کنایه از دور شدن و رها کردن
چ امید بریدن کنایه از ناامیدی

ح سر به بالین نهادن کنایه از خوابیدن، بی‌توجه بودن

خ درد چیزی را داشتن کنایه از مهم بودن آن چیز و توجه کردن

د به دام افتادن کنایه از گرفتار شدن

۱۱۵ تضمین، توضیح تضمین (شاعر یا نویسنده، قسمتی یا تمامی از یک حدیث، آیه، بیت یا مصرعی از شعر را عیناً در بیت اشعار خود بیاورد)

۱۱۶ محمدرضا شفیعی کدکنی مصرعی از مولوی را تضمین کرده است، زیرا در تعریف تضمین می‌گوییم: «تضمین» آوردن آیه، حدیث، بیت یا مصرعی از دیگری، در کلام خود است؛ مثال:

بهر این فرمود رحمان ای پسر «کُلْ یَوْمَ هَوٍ فِی شَأْنِ» ای پسر

۱۱۷ «فلک» و «مَلک»: جناس ناهمسان (ناقص)

۱۱۸ حس آمیزی / تضاد / مراعات نظیر / تناسب

۱۱۹ الف) جناس همسان: راست اول: متضاد چپ راست دوم: مخفف را+ است

ب) کنایه: به فلک رفتن کنایه از عروج و تعالی است.

ج) مجاز: چپ و راست مجاز از همه جا

د) تشخیص: اینکه عشق آواز بخواند (آواز عشق)

۱۲۰ کنایه: سر به بالین نهادن کنایه از استراحت کردن

واج آرای (نغمه حروف): تکرار مصوت کوتاه -: «تَرکِ مَنِ خَرابِ شَبِگَرْدِ مَبْتَلَا کَن»

۱۲۱ الف) شفیعی کدکنی شاعر معاصر در شعر سوال، مصرع «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن» را از مولانا «تضمین» نموده است.

ب) بیداری و خواب

ج) بیداری زمان

۱۲۲ الف) «قفس» استعاره از دنیا است

ب) شاعر به مرغ آن چمن (باغ بهشت) تشبیه شده است.

ج) «گلشن» و «چمن» مراعات نظیر دارند.

۱۲۳ حس آمیزی: جواب تلخ (شنوایی - چشایی)

مراعات نظیر: طعن و ناسزا / نرمی و حسن خلق

۱۲۴ * حس آمیزی:

الف: ترانه‌های شیرین (شنوایی - چشایی)

ب: بهانه‌های زرین (شنوایی - بینایی)

* مه: استعاره از معشوق و محبوب (در این درس استعاره از شمس تبریزی)

۱۲۵ واج آرای:

رو، سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن ترکِ مَنِ خَرابِ شَبِگَرْدِ مَبْتَلَا کَن

تکرار صامت «ر» و مصوت «آ»

حس آمیزی:

به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرین، بکشید سوی خانه، مه خوب خوش لقا را

در آمیختن حس شنوایی و چشایی در آمیختن حس شنوایی و بینایی

تشبیه:

در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم / با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن ← تشبیه عشق به کوی

هنگام غروب آفتاب، خورشید عمر مولانا از این جهان به جهان آخرت سفر کرد. ← تشبیه عمر به خورشید

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست؟ / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟ ← تشبیه انسان به دانه

۱۲۶

الف) «بدرود گفتن»: کنایه از ترک کردن

ب) «شمس» ایهام دارد: ۱) خورشید ۲) شمس‌الدین تبریزی

پ) ترانه‌های شیرین، و «بهانه‌های زرین»: حس آمیزی

۱۲۷

الف) متناقض‌نما (پارادوکس) یا واج آرای

ب) تشبیه (اضافه تشبیهی)

۱۲۸ معنی آیه: شما دو تن به سوی فرعون بروید. همانا او سرکشی نمود، پس با او به نرمی سخن بگویید.

این آیه با این بخش از درس مرتبط است: «همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید؛ به طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حُسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد».

۱۲۹ گزینه (الف)

۱۳۰ «ب»

مفهوم بیت «ب» این است که عاشق حقیقی از مرگ و رهایی از جهان مادی غمی ندارد و همین مضمون در عبارت سوال یافت می‌شود.

مفهوم بیت «الف» سفارش به «به فکر خود بودن و ناپایداری عمر»

۱۳۱ «ب» - مفهوم عبارت ابوسعید، سفارش به نوعی از زندگی کردن است که انسان را به درجه‌ای برساند تا از او به نیکی و بزرگی یاد کنند.

۱۳۲ «ب» - مولانا می‌گوید: «در خواب استاد معرفت را دیدم که به من با زبان رمز و اشاره گفت برای رهایی از دنیای مادی به سوی ما بیا».

۱۳۳ هر دو بیت ناظر بر آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» هستند. مضمون ابیات: انسان از خداست و به سوی او باز می‌گردد.

۱۳۴ «الف»

مفهوم کلی بیت «الف» بازگشت به سوی خداست و به آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» تلمیح و اشاره دارد.

مفهوم کلی بیت «ب» بعثت و شیوایی پیامبر است.

۱۳۵ «ب» - معشوق گریزپا، برای اینکه از دست عشاق فرار کند وعده می‌کند که با شما می‌آیم اما نمی‌آید و می‌گریزد.

۱۳۶ مولانا از یاران خود درخواست می‌کند که بروند و معشوق گریزپا (شمس) او را به سویش بیاورند.

۱۳۷ منظور از «آفتاب عشق» و «شمس حقیقت»، شمس تبریزی است.

۱۳۸ مفهوم مشترک بیت حافظ و اشعار زیر از مولوی «بازگشت آدمی به اصل خود (عالم معنا)» است.

ما به فلک بوده‌ایم، یار مَلک بوده‌ایم باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست

۱۳۹ پیام مشترک هر دو عبارت این است که با کافران و حتی دشمنان نیز باید به نرمی و مهربانی رفتار کرد.

۱۴۰ در هر دو بیت به این موضوع اشاره شده که انسان مقامی بالاتر از زندگی در این جهان دارد و نهایتاً به عالم معنویت خواهد رفت.

۱۴۱ مرثیه خود و دلداری یاران

۱۴۲ اعتقاد به معاد و حیات بعد از مرگ

۱۴۳ معشوقی دست‌نیافتنی

۱۴۴ «ب» - معنی بیت: «برای مرگ من گریه نکن و افسوس نخور، اگر گرفتار نفس و شیطان شوی، آن، دریغ دارد.»

۱۴۵ اعتقاد به زندگی پس از مرگ / جاودانگی روح / معاد

۱۴۶ به دام شیطان افتادن

۱۴۷ «پیر و مراد» در اصطلاح عرفانی به معنای راهنمای راه، انسان کامل، ولی‌الله یا استاد است. مولوی که خود عارفی سوخته‌دل و عاشقی تشنه‌لب در کسب

معارف است، در سراسر زندگی‌اش خود را محتاج ارشادات و راهنمایی‌های استادان و مرشدانی نظیر شمس تبریزی می‌بیند. و در جای‌جای آثار خود حضور «پیر طریقت» را در طی کردن مراحل عرفانی امری الزامی می‌داند.

«من نجویم زین سپس راه اثیر» پیر جویم پیر جویم پیر پیر

با مطالعه زندگی مولوی درمی‌یابیم پس از ناپدید شدن شمس‌الدین تبریزی، دو تن به نام‌های شیخ صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی در افکار و اندیشه او تأثیرگذار بودند و این خود دلیلی بر لزوم راهنما در راهبرد اندیشه‌های اوست.

۱۴۸

الف اگر که بهانه‌تراشی کرد یا قول آمدن در زمان دیگری را داد، مراقب باشید که در حال فریب دادن شماست.

ب درد عشق، دردی است که درمان آن جز با مرگ جاره‌ای ندارد، پس من چگونه انتظار درمان آن را داشته باشم. (درد عشق مانند مرگ چاره ندارد).

پ در اصل ما آدمیان متعلق به عالم معنا و کنار فرشتگان بودیم و در انتها نیز دوباره به اصل خود بر می‌گردیم زیرا مکان اصلی ما آنجاست.

ت در روز مرگم و در زمان تشییع پیکرم هرگز تصوّر نکن من میل بازگشت به این دنیا را دارم. (بلکه در حال برگشت به اصل خویشم).

۱۴۹

الف به پدر مولوی گفت: «زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند»

ب به دلیل سیر و سفر و البته جست‌وجو و پرواز در عالم معنی، او را «شمس پرنده» می‌گفتند.

پ در پی فرونی گرفتن خشم و غضب مردم، شمس، ناگزیر قویه را ترک کرد.

ت مریدان از تعطیل شدن مجالس درس، به خشم آمدند و مولانا را «دیوانه» و «شمس» را جادوگر خواندند.

۱۵۰

- الف** به زودی این پسر تو، عشق را در جان عاشقان جهان مانند آتش شعله‌ور می‌کند.
- ب** در مدرسه، به تدریس دانش‌های دینی و راهنمایی مشغول بود.
- پ** جویندگان دانش‌های شریعت و مذهب، نزد او می‌آمدند.
- ت** ارتباطش را با همه قطع کرد و تدریس و سخنرانی را کنار گذاشت.
- ث** ای هم‌نشینان، بروید و یارم را که زیبارویی گریزان است، به سوی من بیاورید.
- ج** با ترانه‌های دلپذیر و بهانه‌های زیبا، آن زیبارو را به سوی خانه بکشید.
- چ** هر لحظه و از هر جا، آواز عشق به گوش می‌رسد. ما به سوی آسمان می‌رویم، چه کسی می‌خواهد عالم بالا را تماشا کند؟
- ح** برو، بخواب و مرا تنها بگذار؛ من ویران‌شیکرد گرفتار را ترک کن.
- خ** دیشب در خواب، پیری را در کوچه عشق دیدم که با دست به من اشاره کرد و گفت به سوی ما بیا.
- د** برای من گریه نکن و افسوس نخور و بدان که اگر در دام شیطان بیفتی باید به حالت افسوس خورد.
- ذ** هر دانه‌ای که وارد زمین می‌شود، می‌روید؛ پس چرا نسبت به روییدن انسان پس از مرگ در تردید و گمان هستی؟
- ر** پرنده خوش‌آوازی چون من، سزاوار اسیری در قفس نیست. من باید به باغ بهشت بروم؛ زیرا پرنده آن بوستان هستم.
- ز** داستان دیگران را ننویس، آن‌گونه باش که دیگران داستان تو را بنویسند.

۱۵۱

- الف** منظور از «یار ما» شمس‌الدین تبریزی است.
- ب** زیرا شمس از قونیه رفته بود به همین دلیل مولانا او را «گریزپا» دانسته است.
- پ** او به وعده‌هایش وفادار نیست.

۱۵۲

- الف** من به این جهان وابسته نیستم و به خاطر رفتن از آن، ناراحت نمی‌شوم.
- ب** اعتقاد به زندگی پس از مرگ

۱۵۳

- الف** کدام دانه است که پس از کاشتن نروید؟ پس چرا این گمان (ناقص و نادرست) را در مورد انسان داری؟ (و معاد انسان را باور نداری).

۱۵۴

- الف** بازگشت همه به عالم بالاست
- ۱۵۵** «مولانا» مرید شمس و شاگرد او بود و «شمس» نیز مراد، مُرشد و استاد مولانا.

۱۵۶ در دام شیطان افتادن

۱۵۷ دل‌تنگی و بی‌قرار شدن

۱۵۸ دعوت به علم حقیقی در برابر علم ظاهری

۱۵۹ اسرار التوحید / محمد بن منور

۱۶۰ اسرارنامه

۱۶۱ حسام‌الدین چلبی - الهی‌نامه (سنایی) و منطق‌الطیر (عطار)

۱۶۲

الف عطار

ب سنایی

پ عطار

۱۶۳

الف بدیع‌الزمان فروزانفر

ب محمد بن منور

۱۶۴ گزینه «۱»

- ۱۶۵ عطار - سعدی - فخرالدین عراقی
- ۱۶۶ شیخ صلاح‌الدین زرکوب - حسام‌الدین حسن چلبی
- ۱۶۷ الف تشرّع ≠ عرفان (ب) شوریدگی ≠ عقل
- ۱۶۸ الف کبوده: نام روستایی
- (ب) ظرافت: خوش طبعی و نکته‌سنجی / نقل: داستان، قصه‌گویی
- ۱۶۹ تمکن
- غنا
- ۱۷۰ مفاتیح: کلیدها / مستقر: ساکن، پابرجا / متمکن: دارای مال، ثروتمند
- ۱۷۱ فتح - مفتاح - فتوح - افتتاح - مفتّح - فاتح - مفتوح
- ۱۷۲ الف آرز ← (د) حرص
- (ب) کشاندن ← (ه) سوق دادن
- (ج) روشنائی ← (ب) سنا
- (د) طریقه ← الف سیرت
- (ه) فاقد ← (ج) عاری
- ۱۷۳ الف راضی ساختن ← (ه) اقناع
- (ب) پیک ← (ج) قاصد
- (ج) فرز ← الف چابک
- (د) زبان‌آور ← (ب) فصیح
- (ه) سوراخ ← (د) حفره
- ۱۷۴ الف متمکن: ثروتمند، توانگر، دارای مال و مکت
- (ب) به منزله: مثل، مانند
- ۱۷۵ الف بحران: آشفتگی / تحفه: هدیه، ارمغان، سوغات، رهاورد
- (ب) ورد زبان: تکیه کلام (ورد: ذکر)
- ۱۷۶ الف بی‌شائبه: بی‌تردید، بی‌گمان، بی‌شک (شائبه: شک و گمان)
- (ب) پُرآن: پرنده، پروازکننده
- ۱۷۷ الف پیشامد: حادثه، اتفاق / ناگوار: ناخوشایند / بینگارد: پندارد، تصوّر کند
- (ب) غمگسار: همدم، غمخوار، آن‌چه غم را بزدايد، محبوب
- ۱۷۸ الف مشیّت: اراده، خواست
- (ب) شاب: جوان و برنا، متضاد پیر
- ۱۷۹ معنی واژه‌های مشخص‌شده:
- الف تمکن: ثروت، توانگری
- (ب) لطایف: جمع لطیفه: سخنان نرم و دلپذیر
- ۱۸۰ معنی واژه‌های مشخص‌شده:
- الف بُخل: خسیس بودن، خست مقابل کرم و سخاوت
- (ب) اندرزی: تعلیمی / تمثیلی: شعر نمادین و آمیخته با مَثَل و داستان
- ۱۸۱ الف نکبت‌بار: فلاکت‌آمیز، پرمشقت / عاری: فاقد، به دور
- (ب) اضداد: جمع ضد، امور متضاد / تشرّع: شریعت، مقابل طریقت و عرفان
- شوریدگی: عشق و شیدایی
- ۱۸۲ الف حجره: اتاق، خانه، غرفه
- (ب) به منزله: مانند، مثل / آغوز: اولین شیری که یک ماده به نوزادش می‌دهد.
- ۱۸۳ معنی واژه‌های مشخص‌شده:
- الف کارآزموده: باتجربه، ماهر
- (ب) سراچه: خانه کوچک / آماس: ورم، تورم (آماس کردن: متورم شدن و گنجایش پیدا کردن)

(ج) فرط: بسیاری، شدت / لگه دویدن: راه رفتنی همچون راه رفتن اسب و شتر، یورتمه رفتن

۱۸۴) معنی واژه‌های مشخص شده:

(الف) پالیز: جالیز، باغ، بوستان، کشتزار

(ب) مسرور: خوشحال، شادمان، خشنود (هم خانواده با سرور)

۱۸۵) (الف) طراوت: تازگی / تبسم: لبخند زدن

(ب) نمد: پارچه‌ای کلفت که از کوبیدن و مالیدن پشم یا کرک به دست می آید.

۱۸۶) معنی واژه‌های مشخص شده:

(الف) تهیت: مبارک باد گفتن، شادباش گفتن

(ب) سبکسری: حماقت و فرومایگی، متضاد وقار

۱۸۷) (الف) آرمان: آرزو، امید، کام / سایرین: دیگران / صراحت: روشنی، وضوح

(ب) مسرت: شادی، خوشی

۱۸۸) معنای واژه‌های مشخص شده:

(الف) متأثر: اندوهگین، غمگین، آزرده‌خاطر، محزون

(ب) گیوه: نوعی کفش، پای‌افزار

۱۸۹) معنی واژه‌های مشخص شده:

(الف) لفاف: پارچه و کاغذی که بر چیزی پیچند. / قبا: نوعی جامه و لباس

(ب) قریحه: ذوق و استعداد / بالیداه: بدون اندیشه قبلی

۱۹۰) معنای واژه‌های مشخص شده:

حسن: زیبایی، نیکی، خوبی

سیرت: خلق و خو، روش، طریقه

صباح: زیبایی، جمال

توأم: همراه، با هم

۱۹۱) معنای واژه‌های مشخص شده:

(الف) بالجمله: خلاصه

(ب) طهارت: پاکی، پاکیزگی

۱۹۲) معنای واژه‌های مشخص شده:

(الف) اوراق: جمع ورق، برگ‌ها / ضبط: حفظ و نگهداری

(ب) بسزا: شایسته و سزاوار / فروگذاری: سُستی، کوتاهی، اهمال

۱۹۳) معنای واژه‌های مشخص شده:

(الف) بدیهی: آشکار، روشن / میثاق: عهد و پیمان، عهد استوار / مؤکد: استوار و محکم

(ب) سلب: جدا کردن چیزی از چیزی (سلب شدن: جدا شدن)

۱۹۴) معنای واژگان مشخص شده:

حرص: آرز، طمع، زیاده‌خواهی

مگیر: بازخواست نکن، مؤاخذه نکن

استسقا: نام مرضی که بیمار، آب بسیار خواهد. مرضی که موجب شود آب در بافت‌های انسان جمع شود. آب خواستن

۱۹۵)

الف) فرخنده: مبارک، خجسته

ب) کام: سقف دهان، دهان

پ) تواضع: فروتنی، افتادگی

ت) دستخوش: بازیچه

ث) مؤکد: تأکید شده، استوار

ج) توکل: اعتماد کردن / استحکام: محکمی، استواری

چ) هیبت: شکوه، قَر

ح به نقد: در حال حاضر، در وضعیت مورد نظر

۱۹۶

الف نمد

ب استسقا

پ تشریفات

ت ذوق

ث قبا

ج شعر تمثیلی

چ آغوز

۱۹۷

واژه	مفرد	مترادف	هم خانواده
عوارض	عارضه	حوادث	معرض
فصول	فصل	بخش‌ها	فواصل

۱۹۸

واژه	مترادف	هم خانواده
بُخل:	خسیس بودن	بخیل
تشرع:	اهل صورت بودن، در ظاهر شریعت ماندن	شریعت
عوارض:	حادثه، پیشامد، بیماری	عارضه
صراحت:	آشکار شدن، خالص و بی‌غش	صریح
مؤکذ:	استوار، محکم، تأکید کرده شده	تأکید

۱۹۹ شکل درست واژگان املائی: فروگذاری - قبا - تأمین - اقناع

۲۰۰

الف غمگسار: غمخوار، از بین برنده غم

ب کورمال: حرکت با احتیاط و دست مالیدن به اطراف در تاریکی

پ دُرافشان: افشاندۀ دُر، درخشان

ت چلچله: پرستو

ث بذله‌گو: شوخ، لطیفه‌پرداز؛ عندلیب: بلبل، هزارستان؛ انس: خو گرفتن، آرامش

ج چابک: تند و فرز

۲۰۱

الف صَباحت

۲۰۲

الف صباح

۲۰۳ گزینه «ا»: «غدر» نادرست و شکل صحیح آن «قدر» است.

۲۰۴ در متن تنها یک نادرستی املائی دیده می‌شود؛ «حیث» نادرست و شکل صحیح آن «هیئت» است.

۲۰۵ لطفن ← لطفاً / بالبداحه ← بالبداهه / معذی ← معزّی / تبع ← طبع

۲۰۶ خانه مشترک ← ترکیب وصفی

هسته هسته

دایره مسائل ← ترکیب اضافی

هسته مضاف الیه

مباحث مختلف ← ترکیب وصفی

هسته صفت

عوارض مرگ ← ترکیب اضافی
هسته مضاف الیه

سخنان جذاب ← ترکیب وصفی
هسته صفت

۲۰۷ بحران عصبی - منبع بی‌شائبه - مشیت الهی - قطعه اصیل - ذوق لطیف - سبک مسجع

۲۰۸ عالم افسانه‌ها ← ترکیب اضافی
هسته مضاف الیه

آن زمان ← ترکیب وصفی
صفت هسته

پیشامد ناگوار ← ترکیب وصفی
هسته صفت

امکان آسایش ← ترکیب اضافی
هسته مضاف الیه

زندگی درویشانه ← ترکیب وصفی
هسته صفت

۲۰۹ صورت خوش ← ترکیب وصفی
هسته صفت

یک زن ← ترکیب وصفی
صفت اشاره هسته

برخورد فرهنگ ← ترکیب اضافی
هسته مضاف الیه

فصول ملایم ← ترکیب وصفی
هسته صفت

بحران‌های عصبی ← ترکیب وصفی
هسته صفت

۲۱۰

جهادت دیگر ← ترکیب وصفی
هسته صفت مبهم

استحکام اراده ← ترکیب اضافی
هسته مضاف الیه

پیشامد ناگوار ← ترکیب وصفی
هسته صفت

۲۱۱

الف مانند، مثل

ب متمم

پ همان پنجره

ت خاله

۲۱۲ «پسرک»: نهاد / «آوازخوانان»: قید (چون از جمله قابل حذف است) / «ما»: متمم (چون بعد از حرف اضافه آمده است) / «سرمست»: مسند (سرمست هستیم)

۲۱۳ نقش تبعی بدل

۲۱۴

۱) او نیز مانند مادرم توکلی داشت که به او مقاومت و استحکام اراده می‌بخشید.
نهاد مفعول مفعول

۲) هر عصب و فکر... خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.
مفعول

۳) به این زندگی گذرا آن قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد.
مفعول مفعول

۲۱۵ برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم، هر دو، آنها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند.
بدل

۲۱۶ الف) کنایه: «خشک بودن» کنایه از جدی بودن، اهل منطق بودن
ب) کنایه: «ریشه دواندن» کنایه از ساکن شدن و اقامت کردن، سُکنا گزیدن

۲۱۷

- الف) نارسیده بودن کنایه از کودک و خردسال
ب) کافوری شدن مو کنایه از پیر شدن
پ) خشک بودن کنایه از جدی بودن
ت) چشم عقاب داشتن کنایه از تیزبین بودن

۲۱۸ متناقض نما / پارادوکس

۲۱۹ الف) «یاد تو آرامشی است طوفانی» تناقض دارد. از نظر منطقی نمی‌شود یاد تو همزمان آرامش داشته باشد و طوفانی باشد. در واقع با پذیرفتن یکی از این دو، حکم به طرد دیگری خواهیم داد.

ب) «ای حقیقی‌ترین مجاز» تناقض دارد. «حقیقی» ناقض «مجاز» و «مجاز» ناقض «حقیقی» است. نسبت دادن این دو به عشق پارادوکس است.

۲۲۰

الف) نمی‌دانست در کجا ماندگار شود.

۲۲۱

- الف) حاضر غایب: متناقض نما
ب) آرامشی طوفانی: متناقض نما

۲۲۲ آرایه مشترک در هر دو مورد «متناقض نما» است. در مورد «الف» ترکیب «آرامش طوفانی» و در مورد «ب» ترکیب‌های «شیخ همیشه شاب» و «پیرترین و جوان‌ترین شاعر» این آرایه را پدید آورده‌اند.

۲۲۳ تشبیه: سراچه ذهن: اضافه تشبیهی: تشبیه ذهن به سراچه
استعاره: فوران تخیل: اضافه استعاری: تخیل به آشفشانی تشبیه شده است که فوران می‌کند.

کنایه: لبریز شدن کنایه از شور و شغف بسیار
کنایه: آماس کردن سراچه ذهن کنایه از بالا رفتن درک و فهم نویسنده

۲۲۴ کنایه: لنگر گرفتن کنایه از به آرامش رسیدن

تناقض: آرامش طوفانی

ایهام تناسب: ۱- جنب و کنار (قابل قبول است) ۲- ساحل (که قابل قبول نیست ولی با لنگر و کشتی تناسب دارد).

۲۲۵ تناقض ۱: شیخ همیشه شاب

تناقض ۲: پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی

کنایه ۱: چشم عقاب داشتن کنایه از دقیق و تیزبین بودن

کنایه ۲: لطافت کبوتر داشتن کنایه از احساسی و لطیف بودن

۲۲۶ الف) حس آمیزی: ذوق لطیف

ب) مجاز: سعدی مجاز از آثار و اشعار سعدی

۲۲۷ حس آمیزی: قصه‌های شیرین

کنایه: قصه‌های شیرین کنایه از قصه‌های شنیدنی و لذت‌بخش

۲۲۸ ۱= ب (حس آمیزی: برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند).

۲= الف (متناقض نما: پس از تحریر مشتق، درس تاریخ خواندیم. هوس می‌کردیم در عین خنده گریه سر کنیم).

۲۲۹

- الف) «قصه‌های شیرین»: حس آمیزی
ب) «پالیز»: استعاره از آثار سعدی
پ) «گونه گل‌ها»: تشخیص
ت) «آسمان می‌خندید»: تشخیص
ث) «حقیقی‌ترین مجاز»: متناقض نما

- ۲۳۰ نویسنده با فروتنی و تواضع، اشتباهات و خطاهای خود را در نویسندگی می‌پذیرد و معتقد است که به سبب جرئت و جسارتی که در آغاز کار نویسندگی از خود نشان داده مانند شخصی تشنه است که در بیابانی گرم در فصل تابستان گرفتار شده و در دست آب سرد و گوارا دارد؛ پس به‌ناچار، آب را نوشیده است. (نویسنده به‌ناچار به کار نوشتن پرداخته و نوشتن را آغاز نموده است.)
- ۲۳۱ نویسنده از زبان خود، اول شخص، به شرح حال زندگی‌اش می‌پردازد.
- ۲۳۲ آیا تا به حال شنیده‌ای که کسی حاضر باشد و نباشد؟ من در میان جمع به سر می‌برم ولی دل من در جای دیگری حضور دارد.
- ۲۳۳ گزینهٔ «۲»: مفهوم مشترک آنها این است که گاهی اتفاقات زندگی در اختیار انسان نیست و آدمی باید نسبت به تقدیر الهی راضی باشد.
- ۲۳۴ نوع آن «غنائی» است؛ زیرا نویسنده عواطف و احساسات درونی خود را در قالب خاطره یا زندگی‌نامه نوشته است.
- ۲۳۵ سهل ممتنع بودن
- ۲۳۶ مفهوم «تقدیرگرایی» با این بخش درس تناسب معنایی دارد:
- «رفقا زندگانی آیندهٔ ما دستخوش تصادف و اتفاق است. دور روزگار، بر سر ما چرخ‌ها خواهد زد و تغییرات بی‌شمار خواهد نمود؛ چه‌بسا که تقدیر ما چیز دیگر باشد.»
- ۲۳۷ به سبب توکل و تکیه به خدا و داشتن ایمان قوی، به رضای الهی راضی بود و در برابر ارادهٔ الهی تسلیم محض بود.
- ۲۳۸ الف) ذهن و دیدم نسبت به مسائل بازتر می‌شد.
- ب) از شدت ذوق و شادی مانند اسب می‌دویدم و روی این پا و آن پا می‌پریدم.
- ۲۳۹ سخن سعدی به سخن همه شبیه باشد و به هیچ‌کس شبیه نباشد. در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در هر کوچه و بازار می‌شنویم.
- ۲۴۰ مفهوم مشترک بیت و عبارت سؤال ناپایداری احوال دنیا است.
- ۲۴۱ مفهوم مشترک عبارت سؤال و بیت «قناعت و دست کشیدن از دنیا» است.
- ۲۴۲ مضمون مشترک عبارت سؤال و بیت، «تسلیم بودن در برابر خواست خدا و تقدیر الهی» است.
- ۲۴۳ هر دو بیت به این مفهوم اشاره می‌کنند که «وقتی زمینه‌های گناه فراهم است احتمال ارتکاب گناه بیشتر است.»
- ۲۴۴ همانگونه که در درس دیدیم نویسنده در کتاب روزها به «شرح حال» زندگی خود می‌پردازد.
- ۲۴۵ الف) عبارت سؤال به «سهل ممتنع بودن» آثار سعدی اشاره می‌کند.
- ب) اینکه «احدی نتوانسته نظیر سعدی سخن بگوید و از طرف دیگر نظیر سخن گفتن او را در همه جا می‌شنویم» متناقض است.
- ۲۴۶ الف) نویسنده در عبارت «انعطاف جادوگرانه» به این نکته اشاره می‌کند که کلام سعدی انعطاف دارد و نرم است.
- ۲۴۷ اسلامی ندوشن در عبارت سؤال معتقد است که خالهٔ او چون «قانع» بود و به «بیش از حد خود نیازی نداشت» زندگی فقیرانه‌ای را برگزیده بود.
- ۲۴۸ خالهٔ نویسنده به خاطر داشتن «توکل به خدا» در عبارت سؤال ستوده شده است.
- ۲۴۹ الف) سرنوشت‌گرایی یا تقدیرگرایی یعنی همه چیز دست سرنوشت است پس باید به آن راضی بود مثل بیت زیر:
- «رضا به داده بده وز جبین گره بگشای / که بر من و تو در اختیار نگشاده‌ست»
- ۲۵۰ تمام وجود خالهٔ من به ایمان و خواست و حکمت خداوندی متصل بود.
- ۲۵۱ عشق مانند کشتی کنار اسم تو (ای امام زمان (عج)) به آرامش رسید ظهور کن زیرا ذکر و یاد تو آرامشی بی‌قرارکننده است.
- ۲۵۲ الف) غزل
- ب) سبک مسجع
- ۲۵۳ چون به بیش‌تر از آن احتیاج نداشت.
- ۲۵۴ خواندن آثار سعدی پایه‌های ادبی من را استحکام بخشید.
- ۲۵۵ آثار سعدی
- ۲۵۶ نویسنده بیان می‌کند اگر بیتی را نمی‌فهمیدیم از روی بیت دیگر مفهوم آن را می‌یافتیم و دامنه کلام، ما را یاری می‌کرد.
- ۲۵۷ پیرترین و جوان‌ترین شاعر است. هم هیبت آموزگار را دارد هم مهر پرستار. هم چشم عقاب دارد هم لطافت کبوتر.
- ۲۵۸ پررنگ و نگار و پَران و نرم
- ۲۵۹
- الف) ظرفیت و گنجایش ذهنم زیاد می‌شد.
- ۲۶۰
- الف) ذهنم وسعت می‌یافت و لبریز از احساس می‌شد و بیش‌تر در خیالات و رؤیا راه می‌رفتم.

۲۶۱

الف

این تنها خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد.

ب

یعنی، علاوه بر قرآن و مفاتیح الجنان، فقط کلیات سعدی را داشت.

پ

هر عصب و فکر به منع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.

ت

یعنی سعدی آنقدر خود را خم می‌کرد که به حد فهم ناچیز کودکانه من برسد.

۲۶۲

الف

خیلی با احتیاط نویسندگی را شروع کردم.

ب

سعدی در اشعارش با چشمانی که مثل عقاب تیزبین بود و با لطافتی که همچون کبوتر نرم بود، به تمام موضوعات مهم زندگی انسان‌ها توجه داشت.

پ

اگر از روی حرص و طمع خطایی انجام دادم، بر من عیب‌جویی نکن و خرده‌نگیر که گناه کرده‌ام، چون گویی که در تابستان گرم در بیابانی بودم و آب

خنکی در برابرم بود و من نیز بیماری تشنگی داشتم.

ت

هر دو دیوان سعدی را با لذت می‌خواندیم و به گشت‌وگذار در اشعار و ابیات سعدی می‌پرداختیم.

۲۶۳

الف

هر فکری به ایمان وصل بود و هر اتفاقی را به عنوان خواست خداوند می‌پذیرفت.

ب

ذهنم وسعت می‌یافت و لبریز از احساس می‌شد و بیشتر در خیالات و رؤیا راه می‌رفتم تا بر روی دو پا.

پ

خم می‌شدم و از شدت هیجان جست‌وخیز کنان می‌رفتم.

ت

از نظر آشنایی با ادبیات، سعدی برای من، مانند اولین شیری بود که مادر به نوزادش می‌دهد.

ث

من از همه خوش‌خیال‌تر می‌خواستم و قلم را به شعر و شاعری بگذارانم.

ج

تا چه اندازه استعداد دارید.

چ

باطن نیک و ظاهر زیبا را با هم داشت.

ح

زندگی آینده‌ما بازیچه‌ی رویدادهای گوناگون است.

خ

ممکن است سرنوشت ما چیز دیگری باشد.

د

امروز کار شایسته این است که با هم پیمان ببندیم، هر اتفاقی که در آینده برایمان بیفتد دوستی‌مان را نگه داریم و در یاری کردن یکدیگر کوتاهی نکنیم.

ذ

باید به‌طور آشکار بر عهد و پیمان امروز تأکید کرده و آن را مهم بدانیم.

ر

سوگند به پاکی این شکوفه‌ی سیب که پیام‌آور بی‌گناه بهار است و سوگند به پاکی این شکوفه که مانند دوشیزه‌ی سفیدروی بوستان است، که در همه‌ی حالات و

دگرگونی‌های زندگی، مانند برگ‌های این شکوفه‌ی پاک، از یکدیگر حمایت کنیم.

ز

اگر تندباد و حادثه‌ای ما را از هم جدا کرد، محبت و علاقه‌ی ما نسبت به یکدیگر از بین نرود.

۲۶۴

الف

در زندگی اتفاقات پیش‌بینی‌نشده خواهد افتاد.

ب

بهترین کار، حمایت از یکدیگر است.

۲۶۵

الف

معلوماتم زیاد می‌شد.

۲۶۶

الف

اعتقاد به مشیت الهی

۲۶۷

الف

نمی‌دانست در کجا ساکن شود یا اقامت کند.

۲۶۸

بحران‌های عصبی

۲۶۹

خطاهایش بخشیده شوند و مؤاخذه نشود.

۲۷۰

سعدی باتجربه‌ترین و شاداب‌ترین شاعر زبان فارسی است و هم پیران را درک می‌کند هم جوانان را.

۲۷۱

دل نبستن به این جهان

۲۷۲

گزینه «۲»: «سهل مُمتنع» ویژگی سخنی است که ساده به نظر می‌رسد اما هرگز نمی‌توان مانند آن را پدید آورد.

۲۷۳ کتاب «روزها» اثر محمدعلی اسلامی ندوشن است.

۲۷۴

الف سنایی

ب سعدی

پ قیصر امین پور

۲۷۵ لطفعلی صورتگر

